

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۶

جمعه ۴ تیر ۱۴۰۰ - ۲۵ ژوئن ۲۰۲۱



کارگران نفت با اعتصاب سراسری به استقبال رئیسی رفتند!

اصغر کریمی

اعتصاب هزاران کارگر نفت بلافاصله پس از رئیس جمهور شدن آیت الله قاتل ادامه تودهنی مردم به حکومت در روز انتخابات و روزهای قبل از آن است که شیرینی! انتخاب رئیسی را به کام خامنه ای و کل حکومت اسلامی تلخ کرد. اعتصاب قدرتمند کارگران نفت فضای جامعه ای را نشان میدهد که بسرعت در حال پیشروی است و گوشش بدهکار هیچ تهدید و وعده و وعیدی نیست. آیا هدف حکومت از رئیس جمهور کردن رئیسی پیامی برای جامعه بود که آمده ایم بزنیم و بکشیم و آرام کنیم؟

بعید است خامنه ای و فرماندهان سپاه و سایر مقامات ندانند که دیگر دهه شصت نیست و آیت الله قاتل و یکدست! شدن حکومت دردی از دردهای عمیق حکومت دوا نمیکند. حکومت راهی جز سرکوب بیشتر برای بقا ندارد اما توان آن را ندارد. این هم یکی از دهها تناقض اساسی حکومت است. همانطور که نه میتوانند با غرب سازش کنند و نه بدون سازش با غرب و دولت آمریکا میتوانند به حکومت ادامه دهند. نه می توانند جامعه را اسلامی کنند و نه می توانند اسلامیتشان را شل کنند. نه میتوانند حجاب را آزاد کنند و

نه میتوانند جلوی بی حجابی را بگیرند. بعبارتی نه راه پیش دارند نه پس. اما موقعی که یکی از جنایتکارترین افراد خود را جلو جامعه می گذارند که دیگر قادر نیست و جامعه اجازه نمیدهد به شکل سابق به جنایاتش ادامه دهد، به شاه سلطان حسین تبدیل میشود. این وضعیت همه ارگان های حکومت است. دورانی که اتخاذ یک سیاست منسجم در هیچ بخش حکومت عملی نیست. مرکزیت واحد ضعیف میشود. هر ارگان و مقام و آیت الهی تصمیمی می گیرد و یکی دیگر به مخالفت با او برمیخیزد. بلبشو در صفوف حکومت بر سر انتخابات نیز گوشه ای از پراکندگی بیشتر حکومت را بیشتر عیان کرد. بر خلاف ظاهر قضیه حکومت بطرف یکدست شدن بیشتر نرفته است، بطرف پراکندگی بیشتر و تکه پاره شدن بیشتر رفته است.

علت این وضعیت بحران های لاعلاج حکومت در زمینه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بحرانهایی که راهی برای حل و حتی تخفیف وجود ندارد. بحرانی که مزمن شده و با گذشت زمان عمیق تر شده و

ادامه در صفحه ۲

اعتصاب

در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

۱ و ۲ کارگران نفت با اعتصاب سراسری به استقبال رئیسی رفتند. اصغر کریمی

۳ و ۴ انتصاب رئیسی و عروج جنبش سرنگونی. حمید تقوایی

۵ انتخابات ۱۴۰۰ گامی بلند به سوی سرنگونی. محسن ابراهیمی

۶ و ۷ اعتصاب سراسری کارگران نفت و جدال گرایشها. شهلا دانشفر

۸ زنده باد شما مردم که انتخابات قاتلان را بر سرشان خراب کردید. اصغر کریمی

۸ و ۹ رئیسی در رسانه های غرب. محمد شکوهی

۹ و ۱۰ اندیشه و سیاست: کمونیسم چیست؟ کاظم نیکخواه

۱۱ از مدیای اجتماعی حزب

۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

عین حال نقش محوری طبقه کارگر در انقلاب پیش رو را نشان می‌دهد.

جامعه در حال پیشروی است. مردم متحدتر میشوند. طبقه کارگر با قدرت بیشتری پا به میدان می‌گذارد و حکومت بحرانی تر و منزوی تر از همیشه و ناتوان تر از همیشه است. دوران رئیسی شکننده تر و پر تنش تر از همیشه خواهد بود. به استقبال این فضا برویم و با تمام قوا آن را تقویت کنیم.

و مردمی باید به حمایت از آن برخیزند. فعالین سیاسی و فعالین مدیای اجتماعی باید هرچه بیشتر آن را تبلیغ کنند و جلو صحنه قرار دهند. کارگران نفت خود می‌توانند نقش مهمی در جلب حمایت جامعه داشته باشند. خانواده هایشان می‌توانند نقش موثری در این زمینه ایفا کنند. جوانان می‌توانند با شعارنویسی بر در و دیوارها به دامن زدن فضای همبستگی کمک کنند و در سطح بین المللی نیز باید وسیعا آن را منعکس کنیم. این یک رویداد بزرگ سیاسی در جهت تقویت جنبش آزادیخواهانه مردم است که در

صنفي کارگران از دستمزد تا کوتاه کردن دست پیمانکاران و چند خواست مهم دیگر را مطرح کرده و توقعات کارگران رشته های مختلف را در سراسر کشور بالا میبرد، از نظر سیاسی و مبارزاتی نیز فضا می‌سازد. یا در واقع فضای پربار اعتراضی را گام ها به جلو میبرد و انقلاب برای سرنگونی حکومت را جلو می اندازد. جامعه باید با تمام قوا این اعتصاب را بعنوان یک سنگر مهم جنبش سرنگونی مورد حمایت قرار دهد. کارگران مراکز مختلف صنعتی باید از آن حمایت کنند. دانشجویان و تشکل های مختلف کارگری

خوشی ندارد که بلافاصله اعتصابی به این وسعت در عرصه حساسی مانند نفت شیرینی انتخاباتشان را به زهر تبدیل کند.

اما اعتصابات نفت مقدمه اعتصابات بیشتر و گسترده تر کارگری در سراسر کشور است. پیش درآمد اعتصابات سراسری و خیزش های عظیم است. خواست های بلافصل کارگران اقتصادی است اما نفس یک اعتصاب سراسری در نفت کاملا سیاسی است و تاثیر بلافصل اش نیز سیاسی است. این اعتصاب صرفنظر از اینکه خواست های مهم

به عرصه های بیشتری کشیده شده است. اما جامعه نمیتواند صد سال صبر کند. اعتصاب قدرتمند کارگران نفت جلوه ای از این شرایط است. جلوه ای از فضای اعتراضی جامعه و این واقعیت که حکومت نه میتواند به خواسته های کارگران پاسخ دهد و نه می تواند جلو اعتصاب و گسترش آن را بگیرد. اگر میتوانستند اعتصاب را در نطفه خفه میکردند و مانع شکل گیری آن و گسترش آن میشدند. برای حکومتی که یک جلا د خود را بعنوان رئیس جمهور جلو جامعه گذاشته، اصلا حالت



انتصاب رئیسی و عروج جنبش سرنگونی این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: با اعلام پیروزی رئیسی کسی که به عنوان قاتل هزاران زندانی سیاسی شناخته می شود وضعیت رژیم، جناح های آن، رابطه رژیم با غرب، موقعیت جنبش سرنگونی و کلا چشم انداز تحولات چه خواهد بود؟ در این مصاحبه به این پرسشها می پردازیم.

حمید تقوایی! همانطور که انتظار می رفت خامنه ای ابراهیم رئیسی را از صندوق انتخابات بیرون کشید. هدف رژیم از روی کار آوردن یک قاتل و آدمکش که با تحریم های حقوق بشری روبروست چیست؟ آیا این نشانه قدرت رژیم است یا ضعف آن؟

حمید تقوایی: ظاهر قضیه این است که جناح خامنه ای میخواهد با مشت آهنین در برابر مردم بایستد و این پیام را به مردم بدهد که با جلادی که در صدور حکم اعدام و کشتار مردم ید طولائی دارد طرف هستید. ولی بر خلاف این ظاهر، ریاست جمهوری چنین فردی تماما ناشی از ضعف و به هم ریختگی صفوف خود حکومت است. به نظر من نفس اینکه حکومت مجبور میشود چنین شخصی را که میداند پرونده قطوری در جنایت دارد و رسوای خاص و عام است، میداند توده مردم، حتی بخش هایی که تا کنون وضعیت را تحمل میکردند، فریاد اعتراضشان بلند خواهند شد، میداند در غرب این فرد به عنوان عامل مستقیم اعدامهای جمعی شناخته میشود و کاملا رسوا است، ولی با این همه چنین شخصی را رئیس جمهور میکند به این خاطر است که محور حکومت، یعنی خامنه ای و جناحش، حتی کوچکترین زاویه ای با خودشان در میان

خودی ترین خودهای حکومتی را هم نمیتواند تحمل کند. میدانند که از همین منفذ کل حکومت شکاف و ترک های اساسی بر خواهد داشت و فرو خواهد ریخت. این را در دوره های گذشته تجربه کرده اند. در واقع انتصاب رئیسی از سر ناچاری و استیصال و تلاش برای ممانعت از حتی کوچکترین غر زندهای داخلی حکومت است که میتواند به فریاد سرنگونی در خیابانها منجر بشود و موجودیت کل نظام را تهدید کند. این آخرین تلاشهای یک حکومت رو به سقوط است.

رژیم در حال حاضر کاملا به هم ریخته و متزلزل است، دعوای و کشمکشهای داخلی اش شدت پیدا کرده و دیگر حتی بحث بر سر استحاله و اصلاح نیست. عده ای از خود مقامات سابق و اسبق حکومت اعتراف میکنند این حکومت رفتنی است و باید فکری بحال خودشان بکنند و صریحا علیه خامنه ای صحبت میکنند. این شرایط است که باعث شده حکومت، مهره ای مثل رئیسی را بعنوان رئیس جمهوری انتخاب کند.

خلیل کیوان: مردم با نه بزرگی که در این انتخابات به حکومت گفتند تکلیفش را روشن کردند. در این انتخابات به نوعی شاهد مراسم تدفین اصلاح طلبی هم بودیم. اصلاح طلبی که از سال ۹۶ و با شعار اصولگرا، اصلاح طلب دیگه تمومه ماجرا زیر ضرب قرار گرفته بود با این انتخابات دود شد. بازی بد و بدتر هم تمام شد. هر سه قوه اکنون در دست جناح اصولگراست. وضعیت جناح ها چه میشود؟ آیا رژیم حول خط خامنه ای یکپارچه و یکدست میشود؟

حمید تقوایی: به نظر من با رئیس جمهوری رئیسی حکومت متحد و یکپارچه نمی شود، به هم ریخته تر میشود. کما اینکه در انتخاباتهای گذشته هم با وجود اینکه افراد برگزیده خامنه ای و جناح اصولگرا، کسانی مثل احمدی نژاد، رئیس جمهور شدند دعوای درونی حکومت نه تنها کاهش پیدا نکرد بلکه شدیدتر هم شد. مشخصا در دوره احمدی نژاد بالاترین اصطکاکها بین او و خامنه ای پیش آمد که تا امروز ادامه دارد و شدیدتر هم شده است. امروز احمدی نژاد میگوید این حکومت رفتنی است و اعلام میکنند این انتخابات در واقع فرزندم نه به جمهوری اسلامی بود. ایشان کسی است که زمانی نظر کرده خامنه ای بود و در آن طوفان و اعتراضاتی که در ۸۸ شاهد بودیم با معماری و حمایت بی دریغ خامنه ای به جامعه تحمیلش کردند. این بار وضعیت رژیم حتی بدتر است. اکنون جناحی از حکومت به این نتیجه رسیده که با سیاستهای خامنه ای کل حکومتشان سقوط میکند و قدرت و ثروت شان بر باد میرود. احمدی نژاد دقیقا همین را مدام هشدار میدهد و بر این هشدارها افزوده خواهد شد. مخالفین درون حکومتی رئیسی و رقبای خط اصولگرا گرچه موقعیتشان در ساختار حکومت بشدت تضعیف شده ولی ساکت نخواهند نشست. مساله آنها حفظ موقعیت و قدرت و ثروت خود است و نمیتوانند دست روی دست بگذارند.

از سوی دیگر جناح اصولگرا که امروز سه قوه را در دست گرفته تلاش میکند با اعمال فشار، با گروکشی، و با تهدید و تطمیع و انواع اهرم هایی که در دست دارد جناح رقیب را به تمکین وادارد. این اتفاق نخواهد افتاد چون یک اجماع و خط واحد سیاسی در مورد اینکه چطور نظامشان را باید حفظ کنند وجود ندارد. خیلی از حکومتی ها بروشنی فعال مایشانی خامنه ای را باعث مرگ حکومت می دانند و از این نظر درست میگویند. از سوی دیگر هر نوع

مانوری که بخواهد تخفیفی به خط استحاله بدهد و حتی ظاهر اصلاح طلبانه به خود بگیرد هم میتواند به تشدید و گسترش موج سرنگونی طلبی که نمونه هایی از آنرا در انتخابات شاهد بودیم، منجر بشود. از این نظر هم اصولگرایان درست میگویند. این یک وضعیت باخت و باخت برای حکومت است. این یک نمود مشخص بن بست استراتژیکی است که ما همیشه بر آن تاکید کرده ایم. هر دو جناح برای حفظ نظام خودشان مبارزه میکنند و هر دو، تا آنجائی که در مورد خط و سیاست جناح مقابل هشدار میدهند، درست میگویند ولی راه حل اثباتی خودشان هم نمیتواند از سقوط محتوم حکومتشان جلوگیری کند. به همین خاطر حکومت با یک بن بست و تناقض پایه ای روبرو است. این تناقض تنها میتواند با سرنگونی حکومت حل شود.

خلیل کیوان: جناح اصلاح طلب نقش ضربه گیر را برای حکومت ایفا میکرد. اکنون هیچ حائلی بین حکومت و مردم نیست. رابطه رژیم و مردم چه شکلی به خود خواهد گرفت؟

حمید تقوایی: من قبلا هم گفته ام که مشکل اصلی حکومت رابطه جناح ها با یکدیگر نیست، بلکه رابطه کل حکومت با مردم است. ریشه تمام این بحرانها، کشمکشهای جناحی، اینکه مجبور میشوند چنین انتخابات مفتضح و رسوائی را سرهم بندی کنند، اینکه مجبور می شوند یک قاتل کاملا رسوا و شناخته شده را در راس دولتشان نصب کنند، همه اینها به خاطر این است که رژیم در مقابل یک موج عظیم مخالفت، اعتراضات و اعتصابات و سرنگونی طلبی قرار گرفته است. از مدتها قبل از انتخابات وضعیت همین بود. خیزشهای ۹۶ و ۹۸ به اندازه کافی این هشدار را به حکومت داد و به همه، از هر دو جناح، فهماند که دیگر هیچ نوع مشروعیت و نفوذی در میان هیچ بخشی از جامعه ندارند. غیر از یک اقلیت کوچکی از اعوان و انصار خود حکومتی ها

که منافع مستقیمی در بساط دزدی و چپاول دارند بقیه جامعه، نود و نه درصد جامعه - چه فعالین و چه کسانی که فعال نیستند - عمیقا خواهان این است که این حکومت ساقط شود. این را حکومتی ها هم به خوبی میدانند.

عامل اصلی و تعیین کننده در وضعیت سیاسی ایران همین رابطه آناگونیستی جامعه با حکومت است. بخصوص در این دوره انتخابات شاهد بودیم که چطور توده مردم صریح و بی پرده در خیابانها، در تریبون های آزاد، در فضای مجازی و در مراکز کارگری اعلام کردند این انتخابات ما نیست، رای بی رای، رای ما سرنگونی است و علنا علیه کل حکومت با اسم و رسم صحبت کردند و این حرکت هنوز ادامه دارد. جنبش سرنگونی با انتخابات عروج کرد و در یک قامت تعرضی تر و کوبنده تر از گذشته به میدان آمد. این غول را دوباره نمی شود در شیشه کرد.

به نظر من انتخابات فصل جدیدی را در حیات سیاسی جامعه و موقعیت جمهوری اسلامی آغاز میکند، فصل سرنگونی طلبی صریح و شفاف نه فقط در سطح جنبشها و اعتراضات خیابانی بلکه در میان چهره ها و سلبریتی ها و اکتیویستها و نهادهای انجمن ها و کمیته های اعتراضی شناخته شده و با اسم و رسم. امروز سرنگونی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شده است. این فصل تازه ای در جنبش سرنگونی و در مقابله مردم با حکومت است و از همین رو باید منتظر بود که بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رژیم و کشمکشهای جناحی شدیدتر و وضعیت کل حکومت وخیم تر شود.

خلیل کیوان: جمهوری اسلامی با انتخاب رئیسی چه پیامی به خارج از ایران میدهد؟ رئیسی بخاطر جنایاتی که مرتکب شده است از سوی برخی از دولت

ادامه از صفحه ۳

ها تحریم شده است. امنستی خواهان رسیدگی به جنایاتی است که رئیس مرتکب شده است. روزنامه ها و رسانه های خبری در کشورهای مختلف از او به عنوان یک قاتل اسم میبرند. صحبت های داغی در زمینه حقوقی و پیگرد رئیس مطرح است. حقوقدانها بر این تاکید دارند که امکان پیگرد و دستگیری و محاکمه رئیس وجود دارد. با این اوصاف رابطه رژیم با غرب به چه سمتی میرود؟ آیا امکان توافق بر سر برجام دوم بیشتر شده است و یا کمتر؟

حمید تقوائی: در رابطه با غرب، هر رئیس جمهوری سر کار باشد، بالاخره حرف آخر را خامنه ای میزند. ولی این بار فرق قضیه اینست که آن ویتترین و آن ظاهر و در واقع بهانه ای که به دول غربی اجازه میداد رابطه شان را با رژیم توجیه کنند کاملا به کنار رفته است. این بار یک آدمکش رسوا با جنایات محرز و غیر قابل توجیه، و همچنین یک مهره تماما پیرو خط خامنه ای که با غرب ستیزی و مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و غیره تداعی میشود، رئیس جمهور شده است. این امر از هر دو نظر برقراری رابطه دولتهای غربی با رژیم را بمراتب مشکل تر از گذشته میکند.

همانطور که اشاره کردید بسیاری از رسانه های غربی که اکثرا تا دیروز سیاست محتاطانه ای در رابطه با جمهوری اسلامی داشتند و یا به جناح اصلاح طلب متمایل بودند، امروز از نه مردم ایران در انتخابات اخیر گزارش میدهند و از این صحبت میکنند که یک عضو هیات مرگ در سال ۶۷ و عضو شورای امنیت و رئیس قوه قضائیه در زمان شلیک به هواپیمای اوکراینی رئیس جمهور شده است و ایشان باید تحت پیگرد قرار بگیرد. اینها دیگر صرفا گفتمان احزاب رادیکال اپوزیسیون نظیر حزب ما نیست، بلکه موضع رسانه هائی است که تا دیروز مباحثات جوانانه به رژیم بر خورد میکردند. آش آنقدر شور است که دیگر کسی نمیتواند چشمش را ببندد و جمهوری اسلامی را حکومتی عادی و متعارف

جلوه دهد. رئیس جمهوری که از هر انگشتش خون میچکد را نمیشود با هیچ توجیهی مشروع و قابل پذیرش جلوه داد. به این دلایل به نظر من پیشرفت مذاکرات جاری بین حکومت و دولتهای غربی بسیار سخت تر از گذشته خواهد شد.

اما بحث بر سر فقط رابطه دولتها با جمهوری اسلامی نیست. به نظر من در خارج کشور افکار عمومی، جنبشها و نیروهای مترقی، و اتحادیه های کارگری که همیشه به نحوی از مبارزات مردم ایران حمایت میکردند و علیه جمهوری اسلامی افشاکاری میکردند، اینها بسیار فعال تر و تعرضی تر به میدان خواهند آمد و این فشار از پائین کار دولتهای غربی برای رسیدن به هر نوع توافقی با جمهوری اسلامی را بسیار مشکل خواهد کرد. مجموعه این شرایط به معنی رسوائی و انزوای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی در سطح جهانی است.

خلیل کیوان: در طی انتخابات، صفوف جنبش سرنگونی گسترده تر شد. اپوزیسیون با احزاب و سازمانها و گروههای مختلف یک شعار و یک حرف را تکرار می کردند: سرنگونی! بعد از انتخاب رئیس صحبت دولت در سایه و تشکیل پارلمان براندازی در خارج کشور و اتحاد اپوزیسیون حول چنین طرحهایی مطرح میشود. نظر شما در این مورد چیست؟ نیروهای اپوزیسیون در این دوره چطور میتوانند نقش موثری در تقویت مبارزات مردم ایفا کنند؟

حمید تقوائی: ابتدا این را بگویم که طرح هائی که اشاره کردید تازه نیست. همیشه بخشی از اپوزیسیون راست که میخواستنه است به نحوی آلترناتیو سازی کند و توجه دولتهای غربی را به خود جلب کند بدنبال چنین طرح هائی بوده است. شورای گذار و دولت در تبعید و امثالهم از این زمره اند. به نظر من این نوع سناریوها که معماری قدرت از بالای سر مردم را دنبال میکند راه به جایی نمی برد. کما اینکه تا بحال هم بجائی نرسیده. اما اگر کسی واقعا میخواهد برای کمک به جنبش

سرنگونی طلبانه مردم ایران دولتهای غربی را متقاعد کند که در برابر جمهوری اسلامی بایستند و رابطه شان را با آن قطع کنند راهش اتکا به خیابان است. راهش تمرکز بر نیروهای مترقی، افکار عمومی و جنبش میدانی در داخل کشور و در خارج کشور و از این طریق اعمال فشار بر دولتها است. این نیروها هر چه بیشتر علیه جمهوری اسلامی بسیج شوند فشار بر دولتهای غربی برای فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی و بایکوت آن بیشتر خواهد شد. تنها از این طریق میشود دولتهای غربی را مجبور کرد موضع قاطع تر و تعرضی تری در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کنند.

ببینید موضوع این نیست که دولتهای غربی گویا چون اپوزیسیون متحد نیست و شکل آلترناتیو مشخصی مثل دولت در تبعید و یا پارلمان سرنگونی وغیره به خود نگرفته است، علیه جمهوری اسلامی موضع نمیگیرند! این در بهترین حالت تصور ساده لوحانه ای است. منافع سیاسی و اقتصادی و ژئوپلیتیکی دولتهای غربی ایجاب می کند رابطه شان با جمهوری اسلامی را ادامه بدهند. این دولتها فعلا سرنگونی جمهوری اسلامی را به نفع خودشان نمی بینند. باید کاری کرد که همه بفهمند و نشان داده شود جمهوری اسلامی رفتنی است و نباید روی این اسب بازنده شرط بندی کرد. این را باید به دولتها فهماند. چطور میشود این کار را کرد؟ باید به دولتهای غربی فهماند که با ادامه رابطه با رژیم در حال سقوط در ایران، موقعیت شان در کشورهای متبوع خودشان بزیر سؤال خواهد رفت. باید به آنها نشان داد که برای ادامه رابطه با رژیم فاسد و جنایتکاری مثل جمهوری اسلامی باید بهای گزافی بپردازند. این امر را فقط با فشار اعتراضات خیابانی و از پائین میتوان به دولتها تحمیل کرد.

خلیل کیوان: یعنی مشخصا چه باید کرد؟

حمید تقوائی: بحث بر سر به راه انداختن یک جنبش اعتراضی

وسیع است در داخل ایران و در خارج ایران برای منزوی کردن و طرد جهانی جمهوری اسلامی. ما مدتهاست این سیاست را مطرح کرده ایم و پیگیرانه دنبال میکنیم. در مصاحبه قبلی با خود شما تحت عنوان "از انتخابات تا بایکوت" جوانب مختلف این سیاست را توضیح دادم و خواننده علاقمند میتواند به آن مصاحبه رجوع کند.

خلیل کیوان: پرسش آخرم در رابطه با جنبش کارگری و جایگاه و نقش آن است. الان، تنها چند روز بعد از انتخابات، دور تازه ای از اعتصاب کارگران نفت آغاز شده. بیش از چهل مرکز کارگری وابسته به صنایع نفتی فراخوان اعتصاب سراسری داده اند. در واقع جنبش کارگری با گسترش اعتصابات به استقبال رئیس رفته است. تأثیر این اعتصاب در فضای سیاسی جامعه چیست؟ کلا جنبش کارگری در این دوره چه جایگاه و نقشی در فضای امروز ایران دارد؟

حمید تقوائی: همانطور که گفتید کارگران صنعت نفت با اعتصاب سراسری به استقبال رئیس رفته اند. این البته امر تازه ای نیست. میدانید جنبش کارگری مدتهاست که نقش مهم و جایگاه تعیین کننده ای در مبارزات مردم پیدا کرده است. خیزشهای ۹۶ و ۹۸ بر دوش جنبش کارگری شکل گرفت. اعتصابات هفت تپه، هپکو، فولاد اهواز و کارگران مراکز دیگر از همان دوره شروع شده بود. و از همان دوره بود که جنبش کارگری در واقع جامعه را به دنبال خودش به حرکت درآورد. بعد از آن هم باز این جنبش کارگری است که پیگیرانه به پیش میرود و گسترده تر و تعرضی تر میشود. به خصوص پیوستن کارگران

نفت - که نقش کلیدی ای در اقتصاد و حتی در سیاست در مقابل با حکومت در ایران دارند - به اعتصابات یک تحول کیفی در خود جنبش کارگری و در کل جامعه است. امروز این بخش است که هنوز دوره رئیس جمهوری آیت الله قاتل شروع نشده اعلام اعتصاب سراسری میکند، کارگران شورای هماهنگی اعتراضات

درست میکنند و در بیش از ۴۰ مرکز وابسته به صنایع نفتی به میدان می آیند.

در کنار این، نقش هفت تپه و جایگاه و تأثیرات هفت تپه در فضای اعتراضی را هم شاهد هستیم. هفت تپه که در همین دوره انتخابات، پیروزی خلع ید را جشن گرفت، مدتهاست است و در جشن پیروزی خود دوباره اعلام کرد که بعد از خلع ید دارودسته کارفرمای دزد و فاسد هفت تپه به چیزی کمتر از اداره و یا نظارت شورای کارگران بر تولید رضایت نخواهد داد. این گفتمان در جامعه عمومیت پیدا کرده است و حتی چهره هائی از اپوزیسیون راست از هفت تپه به عنوان آلترناتیو نام میبرند.

از طرف دیگر می بینیم که کارگران صنعت نفت و همچنین هفت تپه و بخشهای مختلف کارگری که دست به اعتصاب میزنند صرفا مطالبات صنفی خود را مطرح نمیکند بلکه سیاستهای کلان اقتصادی جمهوری اسلامی، مثل قطع دست پیمانکاران و مقاطعه کاران، مثل انحلال مناطق ویژه اقتصادی و کلا سیاست خصوصی و یا خصوصی سازی که دار و دسته های مافیائی نیمه دولتی نیمه خصوصی را بر مراکز تولیدی حاکم کرده و فساد و چپاولی که زیر این چتر در جریان است را بزیر سؤال میبرند. کلا در مقابل با فساد و پرونده سازی های امنیتی و بگیر و ببندها و دستگیریها و در جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی نیز جنبش کارگری و فعالین و چهره های این جنبش فعال هستند و در صف مقدم مبارزه قرار دارند. اینها بندهائی است که جنبش کارگری را به جنبش سرنگونی وصل میکند.

در دوره پیش رو بیش از پیش جنبش کارگری نقشی اساسی پیدا خواهد کرد و بیش از پیش جایگاه مهمی در تحولات سیاسی جامعه و به چالش کشیدن جمهوری اسلامی خواهد یافت. این امر چشم انداز نوید بخش و امیدوار کننده ای را در برابر کل جامعه قرار میدهد.

“انتخابات” ۱۴۰۰، گامی بلند به سوی سرنگونی!



محسن ابراهیمی

“انتخابات” ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ بی نظیر بود. نه به این دلیل که گویا این بار اصولا انتخاباتی در کار نبود. در جمهوری اسلامی هیچ وقت انتخاباتی در کار نبوده است. این بار فقط کیفیت استصوابی شورای نگهبان تنگتر شده بود. آنقدر تنگ که حتی رئیس جمهور سابقش، رئیس مجلس سابق و مشاور همین امروز ولی فقیه‌پشان، معاون رئیس جمهور همین امروز هم از این کیفیت نتوانستند رد شوند!

خرداد ۱۴۰۰ بی نظیر بود، به این دلیل که معرکه ای که قرار بود در این روز برای نظام مشروعیت مردمی دست و پا کند، به فراندومی از طرف مردم علیه حکومت تبدیل شد. بیشتر معلوم شد که حکومت اسلامی به هیچ معنا در میان مردم مشروعیت ندارد و حقه بازی سیاسی انتخاباتی به خط آخر رسیده است.

به این دلیل که قدرت و وسعت جنبش برای سرنگونی کل نظام اسلامی را به خود مردم و به افکار عمومی در جهان و همچنین به خود حکومت اسلامی نشان داد. به این دلیل که علنا اعلام کرد جناح اصلاح طلب حکومت و دنباله‌هایشان در داخل و خارج که قیافه اپوزیسیون به خود میگیرند و برای تداوم عمر حکومت کار میکنند، هیچ اعتباری در میان مردم ندارند و باید گورشان را همراه حکومت اسلامی گم کنند.

خرداد ۱۴۰۰، حتی مرددترین لایه های از جامعه که قبلا امیدوی برای استفاده از شکافهای درون حکومتی برای ذره ای تغییر در

وضعشان داشتند، به جنبش عظیم سرنگونی طلب پیوستند. خرداد ۱۴۰۰ مردم به قدرت خود، به ابعاد و وسعت جمعیت سرنگونی طلب، به عمق همبستگی سیاسی علیه کلیت حکومت اسلامی در جامعه پی بردند. اعتماد سیاسی مردم بالاتر رفت. ضعف و در هم ریختگی و انزوای سیاسی مقامات حکومت اسلامی بر ملا شد. و بنا به همه دلایل بالا، خرداد ۱۴۰۰، جنبش سرنگونی را یک گام بلند به سوی سرنگونی سوق داد.

بالماسکه ای که در آن از پشت نقابها خون میچکد!

همیشه نمایشهای مضحک انتخاباتی جمهوری اسلامی بالماسکه سیاسی بودند. در خرداد ۱۴۰۰ کاریکاتوری مضحک تر از حتی یک بالماسکه سیاسی راه افتاد که در آن نقاب پوش اصلی بالماسکه، حجت الاسلامی بود که از پشت نقابش، از عمامه و عبایش خون میچکد. خون قتل عام هزاران زندانی سیاسی، خون کشتار ۹۶ و ۹۸، خون ۱۷۶ زن و مرد و کودک که در آسمان با موشک جمهوری اسلامی تیرباران شدند! شخصیت اصلی بالماسکه این بار یک قاتل حرفه ای و زنجیره ای شناخته شده بود که هنوز توسط ولی فقیه مراسم تحلیفش انجام نشده که عفو بین الملل اعلام کرد رئیس جمهور قاتل به اتهام جنایت علیه بشریت باید تحت پیگرد قرار گیرد! سران جمهوری اسلامی شاید ابلهانه تصور میکنند با ارتقاء جلال شناخته شده شان به مقام ریاست جمهوری، در کنار اهداف دیگرشان، امکانی در جهت عادی سازی قتل عام دهه شصت فراهم خواهد شد، اما این قدم خونین همان روز اول در هم شکست. جمهوری اسلامی با این حرکت ابلهانه اش، با فرستادن حجت الاسلام دار و اعدام بر تخت ریاست جمهوری، بی تردید شیب سقوط خود را تندتر کرده است.

تشییع جنازه اصلاح طلبان!

۲۸ خرداد، ادامه دیماه ۹۶ بود. ادامه آبان ۹۸ در قالبی دیگر و در شرایطی دیگر بود. اگر در ۹۶ و ۹۸ مردم سرنگونی خواه، به مصاف رو در رو با نیروهای سرکوب در خیابانها دست زدند، ۲۸ خرداد صحنه رویارویی مردم با حکومت را به مقابل و مقابله با صندوقهای کذابی رای کشاند. سرکوب خونین دی و آبان قرار بود مردم را بترساند و در خانه نگه دارد. خرداد ۱۴۰۰ بازگشت همان مردم این بار برای فتح سنگر دیگری بود. سنگر انتخابات حکومتی. ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ روز فتح کامل این سنگر توسط مردم بود.

اگر در دیماه ۹۶ مردم با شعار مشهور و محبوب “اصلاح طلب، اصولگرا، دیکه توومه ماجرا” آنچنان ضربه سنگینی بر گرانگاه باند اصلاح طلب و از آن طریق بر کلیت حکومت وارد کردند که هنوز هم جماعت تلو تلو میخورند، در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ اصلاح طلبان حکومتی و “اپوزیسیون” سرگردان اصلاح طلب در داخل و خارج، یعنی مدافعین اصلی این سنگر و همراه با آنها کل حکومت شکست خیره کننده ای از مردم دریافت کردند. ۲۸ خرداد به اصلاح طلب و اصولگرا در کنار هم نه محکم گفت. اصلاح طلبان را تشییع جنازه “مدنی” کرد و جامعه را برای تشییع جنازه اصلی، تشییع جنازه کل حکومت اسلامی آماده تر کرد.

۲۸ خرداد نشان داد که آنهایی که ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ به خیابانها ریختند، “خس و خاشاک” نبودند. مردمی واقعی بودند که در ۲۸ خرداد هم با نه گشتن به صندوقهای حکومتی اجازه ندادند سران حکومت زست مشروعیت مردمی بگیرند. اجازه ندادند جواد ظریف چپ و راست در رسانه های غرب وقاحت را به اوج برساند و بگوید در ایران آزادی انتخابات هست؛ در ایران ۷۵ درصد مردم در انتخابات شرکت میکنند و “ما خودمان انتخاب کردیم که

اینجوری زندگی کنیم!” یعنی مردم خودشان انتخاب کردند که یک مشت مرتجع برخاسته از گورهای ۱۴۰۰ سال پیش همه جلوه های یک زندگی انسانی را زیر سم چرکین و خونین شریعت اسلامی لگدمال کنند!

هدف ۲۸ خرداد فقط خامنه ای و جناح اصولگرا نبود. فقط روحانی و جناح اصلاح طلب نبود. هدف همه اینها با هم بودند. در ۲۸ خرداد، صندوق رای، به جای مشروعیت دادن به یک نظام فاسد، زیر پایش را خالی تر کرد. به این اعتبار ۲۸ خرداد یک گام بزرگ در پیشروی جنبش سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی بود. “انتخاباتی” در خدمت انقلاب

بود! ۲۸ خرداد پلی شد میان گذشته و آینده. پلی شد که قیام ۹۸ را به مصاف نهایی با حکومت وصل میکند. این هم یکی از خودویژگی های انکشاف سیاسی در ایران است که چگونه حتی صندوق رای کذابی مسیر یک انقلاب را هموارتر می کند!

در ۲۸ خرداد، مردم به این حقیقت پی بردند که قدرتمندند، همدرد و همدل و هم رزمند. مردم به این حقیقت پی بردند که میتوانند با یک اقدام سراسری سیاسی حکومت اسلامی را سکه یک پول کنند. مردم به ظرفیت همبستگی خود در مقابل حکومت و به این اعتبار قدرت خود برای مقابله با آن و نهایتا پایان دادن به عمر آن پی بردند. در ۲۸ خرداد توازن قوای روانی میان مردم و حکومت و به این اعتبار توازن قوای سیاسی یک گام بلند به نفع مردم برداشت.

حکومت یکپارچه یا حکومت در هم شکسته؟

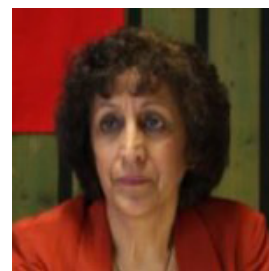
میگویند حکومت اسلامی با رد صلاحیتهای وسیع تر از گذشته، عملا تلاش کرد قدرت را یکپارچه کند. این یک شگرد تبلیغاتی اصلاح طلبان هم بود که با آن تقلامی کردند مردم را به پای مضحکه بکشاند که نگرفت.

“انتخاباتهای” جمهوری اسلامی همیشه دو هدف موازی را دنبال می کرده است: نقش درون حکومتی برای رفع و رجوع کشمکش باندهای قدرت و مهمتر از آن کسب مشروعیت مردمی برای حکومت. جواب مشروعیت کسب کردن از درون صندوقهای کذابی را مردم این بار قاطع تر و خیره کننده تر دادند. اما تا آنجاییکه به کشمکش درون حکومتی باندهای حکومتی مربوط است، باند خامنه ای سومین نهاد رسمی حکومت اسلامی یعنی ریاست جمهوری را رسماً مال خود کرد، حلقه قدرت تنگتر شد و حکومت مثلاً ظاهری یکپارچه تر به خود گرفت.

این یکپارچگی تو خالیست. حکومت اسلامی یکپارچه و منسجم نخواهد شد. شکاف باندها بیشتر خواهد شد. همه آن فاکتورهایی که در بالای حکومت اسلامی ترک می انداخته همچنان سرچایش هستند. جدا از قدرت و ثروت و رقابتهای مافیایی، این فاکتور فشار اعتراضی قدرتمند مردم، خطر شورش گرسنگان، خطر تعرض نهایی مردم به حکومت بود که سران حکومت را در اتخاذ استراتژی برای بقا به تشتت انداخته بود. خطر فروپاشی، خطر سرنگونی نه تنها سرچایش هست بلکه ۲۸ خرداد بار دیگر نشان داد که خطر حتی جدی تر شده است. خطر جدی تر به تنشهای حادثه و ترکهای بزرگتر در بالای حکومت اسلامی منجر خواهد شد. تردید نداشته باشید که بزودی جنگ قدرت بر سر ثروت و چپاول و مهمتر از آن شکاف بر سر استراتژی بقا این بار حتی باحدت و تراکم بیشتر از گذشته اوج خواهد گرفت. مسئله بقا برای جمهوری اسلامی به سرعت به مساله نجات تبدیل خواهد شد.

اعتصاب سراسری کارگران نفت و جدال گرایش‌ها

هر عقب نشینی ای از سوی پیمانکاران و حکومت ثمره به حرکت در آمدن قدرتمند خود کارگران است. بنابراین نباید در هیچ کجا اجازه داد که دستاورد مبارزاتی کارگران به دستمایه ای برای بهره جویی این جناح و آن جناح حکومتی و نیروهای که تمام تلاششان ترمز زدن به اعتصاب قدرتمند کارگران و ایجاد شکاف در صفوف مبارزاتی آنان است تبدیل شود. صنعت نفت دیگر پادگان نیست و دوره این نوع قلدری کردن ها و نسبت دادن واژه های چون اغتشاش و ضدانقلاب به کارگرانی که خواسته و مطالبه ای دارند به پایان رسیده است.



شهلا دانشفر

اعتصاب سراسری کارگران غیر رسمی نفت گسترش می یابد. از روز ۲۹ خرداد تاکنون بیش از ۴۰ مرکز نفتی و موسسات وابسته به آن وارد اعتصاب شده اند. این کارگران مدتهاست که اولتیماتوم داده و اعلام کرده اند که اگر به خواسته هایشان پاسخی داده نشود، وارد اعتصاب سراسری خواهند شد. این کارگران طی بیانیه ای با امضای "شورای هماهنگی اعتراضات"

کارگران پیمانی در نفت، پالایشگاهها، پتروشیمی ها و دیگر مراکز نفتی در سی ام تیرماه از اعتصاب اختطاری یک هفته ای خود خبر داده و در همانجا حمایت خود را از فراخوان همکاران رسمی نفت برای تجمعات سراسری در نهم تیرماه اعلام کرده اند. کارگران غیر رسمی نفت قبلا نیز در مناسبت روز جهانی کارگر و نیز در بیستم اردیبهشت و پنجم خرداد ماه در اعلام همبستگی با مبارزات همکاران رسمی شان اولتیماتوم داده بودند

که اگر به مطالبات آنها پاسخ داده نشود دست به اعتصاب سراسری خواهند زد. در اولین بند از خواسته های کارگران بر اینکه مزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد تاکید شده است و جلو آمدن بحث افزایش دستمزدها در چنین سطحی در نفت و مراکز وابسته به آن، بیانگر جایگاه اجتماعی اعتصاب این کارگران است و گام مهمی در قدم به جلو برداشتن جنبش برای خواست افزایش دستمزد هاست که یک جنبش اجتماعی و فراگیر است.

در عین حال اعتراض بدین گونه است که ورود هزاران کارگر نفت به میدان مبارزه خون جدیدی در رگهای جنبش کارگری و مبارزات کل جامعه دمیده است. نکته قابل توجه اینجاست که در مبارزات کارگران نفت نیز همچون اعتراضات در بخش های دیگر کارگری و در سطح جامعه ردپای گرایشهای مختلف را میشود مشاهده کرد. به موازات بیانیه شورای هماهنگی سازماندهی اعتراضات کارگران نفت و فراخوان آنها به اعتصابی یک هفته ای، ما شاهد به راه افتادن کمپینی تحت عنوان "کمپین تخلیه سراسری

بیست - ده " و یا کمپین سال ۱۴۰۰ در میان کارگران نفت هستیم. این کمپین دو خواست افزایش دستمزد و تغییر نوبت مرخصی را به عنوان دو محور اصلی این کارزار مطرح میکند که بالاخره به نوعی دفاع از مطالبات کارگران است و مثبت است. اما اشکال کار گردانندگان این کارزار فضای تبلیغاتی آنهاست که مقابله با هر نوع تجمع کردن و یا شعار دادنی و تاکید بر تخلیه فوری مراکز کاری و رفتن به خانه ها را برجسته میکنند. که مبادا در این فاصله تجمعی صورت گیرد و به گفته خودشان اغتشاشی بشود. عذر و بهانه شان نیز امنیت است. در حالیکه همین امروز شاهد اینیم که ۷۰۰ کارگر پالایشگاه نفت تهران فقط بخاطر اعتصاب برای خواست افزایش حقوقها حکم اخراج گرفته اند. روشن است که راه مقابله با چنین قلدری هایی و اخراج کارگر به خاطر اعتراض گسترده شدن دامنه اعتراضات و حمایت وسیع اجتماعی است. اما اینان در دستورالعمل هایشان تجمع را "اغتشاش" و کارگر معترض را "ضد انقلاب" قلمداد میکنند.

و اینجا دیگر خط قرمزهاست که نباید اجازه داد که با چنین لحن و گفتگویی با کارگران گفتگو شود. این زبان کارگری نیست بلکه با هر هدف و نیتی بیان شده باشد لحن و فرهنگ و تحکمی از نوع حکومتی هاست. برای مثال در دستورالعمل های منتشر شده گردانندگان کمپین ۱۴۰۰ الفاظی بکار برده میشود که اساسا در چهارچوب فرهنگ و گفتگومان های حکومتی است. نکته من اینست که این نوع سخن گفتن فقط اشتباه لفظی نیست. بلکه افتادن در دام سیاستهایی است که با این نوع زبان بیان میشود. کسی که تجمع کارگر را اغتشاش میخواند آشکارا دارد از زبان کارفرما و سرمایه دار و حکومت سخن میگوید. و این هشدار دهنده است. در یکی از دستور العمل های منتشر شده آنها چنین آمده است: "برای گرفتن حق و حقوق خودمان بصورت قانونی و بدون از هرگونه درگیری و اغتشاش، از حقان دفاع خواهیم کرد". و بعد در ادامه با لحنی آمرانه که بی شباهت به لحن حراستی های حکومتی نیست مینویسند: "بسیار با اهمیت!!! یادتان

بماند اگر در حین تخلیه کردن، رعب و وحشت و شعار ضد نظام دهید و اغتشاش و تجمع کنید جلوی پتروشیمی و پالایشگاه ها، کمپین ما شکست خواهد خورد و با طرح ما برخورد سخت خواهد شد. پس بدون ایستادن و تجمع کردن فقط به سمت ترمینال بروید و جلوی فاز و پتروشیمی ها اصلا تجمع نفرمایید و اجازه ندهید افراد ضد انقلاب از اعتراض قانونی و خاموش و مسالمت آمیز شما سوء استفاده کنند و با آنها همراهی نکنید هرگز. این موارد دستورات حیاتی و کلیدی مدیریت کمپین می باشد." ضد انقلاب! اغتشاش! شعار ضد نظام! اعتراض مسالمت آمیز! آیا براستی اینها از زبان کارگر است که جاری میشود؟

دوستان عزیز! بجای اینکه نقش پلیس و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی را ایفا کنید بر نقش خود به عنوان سازمان دهنده اعتراض کارگران تمرکز کنید. روی آن متمرکز شوید. خواسته های کارگران را فرموله کنید. مجوز

ادامه از صفحه ۶

برپایی تجمعات اعتراضی و تصمیم گیری جمعی و شورایی، دخیل شدن فعال خانواده ها در اعتراضات و رساندن صدای اعتراض خود به جامعه به آن پاسخ داد. برای مثال بیانیه های اخیر کارگران غیر رسمی نفت با امضای "شورای سازماندهی اعتراضات" پاسخی عملی به چنین جریاناتی و به میدان آمدن سازمان یافته کارگران نفت است.

اعتصابات هزاران نفره کارگران نفت امروز در دل شرایط پر التهاب جنبش کارگری و کل جامعه یک اتفاق سیاسی مهم است. تاثیر فوری این اعتراضات تغییر توازن قوا به نفع کل طبقه کارگران و کل جامعه است. و اعتراضاتی گسترده در چنین ابعادی بدون شک بستر ساز اعتصابات سراسری در همه جامعه است. باید به استقبال آن رفت. باید وسیعا از خواستهها و مبارزات کارگران نفت حمایت و پشتیبانی کرد و اجازه نداد که فرهنگ و سنت تسلیم طلبی و تفرقه افکنی و خود کنترلی بر آن غالب شود و کسانی بنام کارگر نقش پلیس جمهوری اسلامی را ایفا کنند. زنده باد کارگران رزمنده و حق طلب نفت!

۲ تیر ۱۴۰۰*

یک نمونه خوب در دل چنین کشاکش هایی بیانیه های کارگران غیر رسمی نفت با امضای "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران" بود که در آن کارگران با برشمردن فوری ترین خواستههای خود خواهان پایان دادن به کل این بساط برده وار کاری و پایان دادن به حاکمیت پیمانکاران مفتخور و قوانین ویژه اقتصادی و شرایط پادگانی محیط های نفتی شدند و با چنین خواستههایی بر مطالبه افزایش فوری دستمزدها پای فشردهند. خوشبختانه دامنه این نوع اعتراضات هر روز گسترده تر میشود.

طبعاً روشن است که هر عقب نشینی ای از سوی پیمانکاران و حکومت ثمره به حرکت در آمدن قدرتمند خود کارگران است. بنابراین نباید در هیچ کجا اجازه داد که دستاورد مبارزاتی کارگران به دستمایه ای برای بهره جویی این جناح و آن جناح حکومتی و نیروهایی که تمام تلاششان ترمز زدن به اعتصاب قدرتمند کارگران و ایجاد شکاف در صفوف مبارزاتی آنان است تبدیل شود. صنعت نفت دیگر پادگان نیست و دوره این نوع قلدری کردن ها و نسبت دادن واژه هایی چون اغتشاش و ضدانقلاب به کارگرانی که خواسته و مطالبه ای دارند به پایان رسیده است. این نوع برخوردها بطور واقعی خود به عاملی در امنیتی کردن فضای اعتراض کارگران تبدیل میشود و باید با گسترش وسیع اعتراضات،

تحت عنوان خائن و موج سواری و امثال اینها به کارگر معترض میزنید و کارگران را به سیاهی لشکر حکومت تبدیل میکنید. چرا کارگر وقتی میخواهد برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کارش تلاش کند، باید خود را بنده و عبید حاکمین معرفی کند و به سیستم حاکم و سران و سنتهایش اعلام وفاداری و بندگی نماید؟ شما دوستان عزیز دارید کارگر حق طلب و معترض را مورد تهاجم قرار میدهید. آیا متوجه نیستید؟

این نوع عکس العمل ها در عین حال یک نوع وحشت این جماعت در ادامه همین نوع برخوردها و عکس العمل ها بود که کارگران معترض را که مطالبه ای داشتند به نامه های ارسالی خود به خامنه ای و مقامات مختلف حکومتی حواله میدادند و این خود به اعتراض وسیعی در میان کارگران نفت دامن زد و یک وجه این اعتراضات عدم اجرایی کردن وعده و وعید های داده شده بود.

روشن است که در چنین رویکردی تجمع کردن، بردن اعتراض به میان مردم و جلب همبستگی مردم، حضور فعال خانواده ها جا و مکانی ندارد. چشم اینان به بالا و به مقدرات حکومتی است و از همین رو یک چالش مهم کارگران درگیر شدن با همین رویکردها و اتکاء به نیروی مبارزاتی متحد خود است.

"اینجانبان مسئولان کمپین هیچگونه گرایش و سمت و سویی به شبکه های معاند و ضد انقلاب و خیانتکار به نظام مقدس اسلامی در خارج از کشور نداشته و نداریم و همه کارگران مظلوم و بدون حامی وفادار و دوستدار نظام اسلامی مان هستیم و صرفاً بر حق مسلم خود تاکید و تمناي توجه و رسیدگی داریم و پس از قول و رسیدگی از جانب شما ولی های امر همه نیروها به کار خود باز خواهند گشت. ما پس از شنیدن و دیدن مصاحبه فرماندار آبادان که برچسب های نابحق ارتباط با شبکه های معاند به ما کارگران زد، بر خود واجب دانستیم بدین وسیله وفاداری و ارادت خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اعلام داریم و شبکه های خارجی را به شدت محکوم می کنیم و اعلام کنیم هیچگونه حمایت و پوشش خبری از شما نخواهیم و نمی خواهیم. لازم به عرض است اگر شرایط کاری ما کارگران درست بشود هیچ کارگر و ایرانی فریب و چشم دوخته به غرب و خیانتکاران به نظام نخواهد شد و هیچ خائنی نمی تواند از اوضاع کنونی استفاده سیاسی و موج سواری کند و ما همه سربازان مخلص صنعتی نظام و رهبر عالیقدر مان هستیم." این دیگر پا گذاشتن روی خط قرمزهاست. این تلاش برای به تسلیم کشاندن کارگران است. همان برچسب هایی را که فرماندار و دیگران به کارگران زده اند شما دارید

سرکوب برای کارگران صادر نکنید که اگر تجمع کنید سرکوب میشود. این فرهنگ و ادبیات کارگران نیست و بطور جدی نباید اجازه داد که کسی با چنین لحنی با کارگران سخن بگوید. این نوع گفتمان مستقل از نیت صاحبانش اساساً در خدمت نهادینه کردن خفقان و در چهارچوب خط و سیاستی است که اتفاقاً سیستم اطلاعاتی حکومت تلاش دارد آن را به جلو برد و باید قاطعانه در مقابلش ایستاد و آن را عقب زد. در پشت چنین دستورالعمل هایی سیاست محدود نگاهداشتن اعتراض در چهارچوبه نظام حاکم قرار دارد. کارگر حق دارد اعتصاب کند، تجمع کند، خواستش را فریاد بزند و هیچکس اجازه ندارد مانعش شود. اینها حقوق ابتدایی کارگران و همه مردم است. کسی که اینها را تحت عنوان ضد انقلاب و معاند و خیانت و سوء استفاده و غیره مطرود اعلام میکند دارد مجوز سرکوب به حکومتیان میدهد.

نمونه بارزش را در اعتصابات سال گذشته کارگران نفت شاهد بودیم. در سال گذشته همین جریانات با نامه نگاری به خامنه ای و مجلس همه تلاششان این بود که سران حکومت را خاطر جمعی دهند که جای نگرانی ای نیست و اوضاع تحت کنترل است. از جمله در بخشی از نامه هایشان چنین آمده بود:

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

زنده باد شما مردم که انتخابات قاتلان را بر سرشان خراب کردید

رئیس در رسانه های غرب



محمد شکوهی



اصغر کریمی

شما فضایی را در جامعه تثبیت کردید که به قبل از آن برنخواهد گشت. شما خشم و اعتراض جامعه را با صدای بلند و در مقابل چشم نیروهای سرکوب و لباس شخصی هایشان بیان کردید. صدای شما در سراسر جهان نیز شنیده شد. شما کاری تاریخی کردید.

زنده باد شما جوانان جسوری که در تریبون های خیابانی جواب دندان شکنی به رئیس دادید و همه آنها را بعنوان دزد و قاتل و فاسد به محاکمه کشیدید. زنده باد شما که در تریبون های خیابانی کیفرخواست جامعه علیه قاتلان آبان را فریاد زدید و اعلام کردید که آبان ادامه دارد. زنده باد شما که دیوارها را از شعار پر کردید و برنهای تبلیغاتی ریسی، کاندید اصلی نظام را به آتش کشیدید و در شهرهای مختلف آنها را پاره کردید. زنده باد شما زنان شجاع که در صف اول این حرکت وسیع، شجاعانه دردان حاکم را محاکمه نمودید.

زنده باد شما مادران دادخواه که پرچم رای ما سرنگونی است را به اهتزاز درآوردید و مهر محکم خود را بر نمایش انتخاباتی قاتلان و دزدان حاکم کوبیدید. زنده باد شما فعالین کارگری که از هفت تپه پاسخ دندان شکنی به رئیس و فریب خوردگان اش دادید.

زنده باد همه شما تشکل های کارگری و بازنشستگان و دانشجویان، آنها و عربشاهی ها و پدران و مادران جانباخته و خانواده های جانباختگان پرواز اوکراین که از همه سو جانیان حاکم را سکه یک پول کردید. شما غرور یک جامعه را نمایندگی کردید. شما توقعاتی را مقابل بخشی از اپوزیسیون گذاشتید که هنوز از گفتن کلمه سرنگونی و انقلاب ابا دارند. شما توقعاتی را در مقابل رسانه هایی گذاشتید که تریبونشان هر روز در اختیار مفسرانی است که بویی از دردهای شما نبرده اند.

و بالاخره زنده باد شما دهها میلیون نفری که از رفتن به صندوق های رای قاتلان و دزدان خودداری کردید و سرتترین انتخابات قلابی را نصیب خامنه ای و رئیس و اوباش حاکم نمودید. "نه" امروز دهها میلیون نفری که پای صندوق های قاتلان نرفتید، از روی بی تفاوتی و دلسردی نبود. این یک "نه" فعال و تعرضی بود. "نه" سرنگونی بود. شما در روزهای گذشته اعلام کردید رای ما سرنگونی است و آن را امروز روز ۲۸ خرداد عملی کردید.

از امروز دوران تازه ای در حیات سیاسی کشور شروع میشود. جنبش سرنگونی بسیار قدرتمندتر یا به میدان گذاشته است و وحشت عمیقی در دل حکومتیان انداخته است.

اصلا و مطلقا مهم نیست چه تعداد رای برای رئیس اعلام میکنند. شما انتخاباتشان را بر سرشان خراب کردید. هیچ کاندیدی برنده این انتخابات کذایی نیست، همه بازنده اند و حالا آیت الله قاتل با زبونی و سرافکندگی، ریاست نظامی بحران زده تر از همیشه را شروع میکند و مردمی مصمم تر خود را برای ضربات کوبنده تر آماده میکنند.

زنده باد انقلابی که در این روزها قدم بزرگی به جلو برداشت.

۱۸ ژوئن ۲۰۲۱

۱۸ ژوئن ۲۰۲۱ همانطوریکه که انتظار می رفت خامنه ای، رئیس را به عنوان رئیس جمهورش از صندوق های رای بیرون آورد. حتی بنا به آمار ساختگی خود حکومت بیش از نصف مردم ایران در این مضحکه شرکت نکرده و دست به اعتراض و مبارزه زدند. رئیس دو روز بعد از انتخاب شدنش در کنفرانس مطبوعاتی اش با وقاحت تمام ضمن دفاع از اعدام ها گفت که: "لازم است برای اعدام ها از وی قدردانی شود!" انعکاس انتخاب رئیس که مردم اور را آیت الله قاتل میخوانند به عنوان رئیس جمهور رژیم مورد توجه بسیاری از رسانه ها از زوایای مختلفی قرار گرفت. دو موضوع محور گزارشات این رسانه ها بود. اول اینکه رئیس قاتل و مسئول اعدامها در دهه ۶۰ بود و حالا رئیس جمهور شده و اوضاع بدتر خواهد شد و دوم اینکه درصد کمی از مردم ایران در انتخابات شرکت کردند که این نشانه نارضایتی و مخالفت مردم با جمهوری اسلامی است. اینجا نگاهی میکنیم به عناوین و گزارشات بعضی از رسانه ها.

* هفته نامه آلمانی «اشپیگل» نوشت: رئیس مدافع آهنین ارتجاع و سرکوب است و اوضاع خراب تر خواهد شد.

* روزنامه «بیلد آلمان» تیترو زد: جلااد حالا رئیس جمهور شده. رئیس، رئیس جمهور آیت الله ها اعدام ها

* روزنامه «نویه اوسنابروکر» آلمان نوشت: حتی نیمی از واجدان شرایط نیز در انتخابات شرکت نکردند. جامعه جهانی

در تلاش نجات توافق اتمی است اما وضعیت حقوق بشر در ایران را به کلی نادیده گرفته است. این وضعیت باید تغییر کند. آلمان و اتحادیه اروپا باید دستورالعملشان در مقابل حاکمان جمهوری اسلامی را به سرعت بازبینی کنند»

* روزنامه اتریشی «تاگس آنترایگر» چاپ زوریخ نوشت. رئیس یکی از مسئولان کشتار جمعی مخالفان رژیم در اواخر دهه ۸۰ میلادی (کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷) به دستور خمینی بوده و نیز در مقام ریاست قوه قضاییه در سرکوب اعتراضات سال ۲۰۱۹ (آبان ۹۸) دست داشته است.

* روزنامه آلمانی «فرانکفورتر روندشوا» نوشت: رئیس سرکوب مخالفان را که در پاییز ۲۰۱۹ (آبان ۹۸) به عنوان رئیس قوه قضاییه انجام داده بود، ادامه خواهد داد.

روزنامه آلمانی «نویه دوپچلند» نوشت: رئیس جمهور جدید قابل اعتماد نیست، روشن است که از او چه کاری ساخته است. بدون بهبود وضعیت اقتصادی فشار افکار عمومی بر رژیم و در پی آن سرکوب بیشتر می شود.»

* روزنامه آلمانی «زود دوپچه» نوشت: فاصله و جدایی میان رهبری و بخش بزرگی از مردم کاملا مشهود است. مردم خواهان رفاه اقتصادی هستند. اکثریت ایرانیان به ایدئولوژی، فساد و سوءمدیریت رژیم معترض هستند. * سخنگوی دولت آلمان: از نقش رئیس در اعدامها در

ایران اطلاع داریم.

* روزنامه بریتانیایی «تلگراف» چاپ لندن نوشت: جای رئیس در زندان است. مردی که در انتخابات دستکاری شده در ایران به پیروزی رسید، باید در زندان باشد به جای آنکه بر مسند قدرت بنشیند. رئیس جوانترین عضو هیئت مرگ در تهران در سال ۱۹۸۸ بود که متهم به اعدام سه هزار زندانی سیاسی است.

* روزنامه «تایمز» لندن نوشت: حالا رئیس باید تصمیم بگیرد که آیا می خواهد برای بازگشت به توافق اتمی برجام با قدرت های جهانی به توافق برسد یا اینکه شهادت ایران را برای غنی سازی سریعتر اورانیوم و در نهایت تولید سلاح اتمی ادامه دهد. البته این دومی ترجیح رئیس و آیت الله خامنه ای است.

* روزنامه هلندی «فولکس کرانت» نوشت: انتخاب رئیس به عنوان رئیس جمهور غرب را در برابر یک دوراهی سخت قرار داده است. این روزنامه به نقش رئیس در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ اشاره کرده و نوشته است، در صورت برداشته شدن تحریمها "چنین فردی می تواند مقابل مردم بایستد و بگوید آنچه را که روحانی نتوانست انجام دهد، من انجام دادم.

* روزنامه اسپانیایی «لاوان گاردیا» نوشت: اما سرخوردگی مردم و بی اعتمادی نسبت به دولت بیشتر هم شده. برای این

ادامه در صفحه ۹

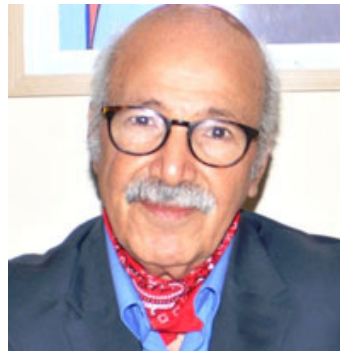
ادامه از صفحه ۸

اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکاست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکاست: کاظم نیکخواه
لینک: andishevasiasat.podbean.com

کمونیسم چیست؟



کمونیسم یک جنبش، یک سیستم، یک مبارزه و تلاش برای انسانی کردن جامعه است. برای اینکه بجای سود و سود اندوزی و قانون سود، پاسخ به نیازهای همه انسانها به مرکز جامعه بیاید و به محور و هدف جامعه تبدیل شود. برای اینکه جامعه از اساس انسانی شود و ثروتها و امکانات در خدمت انسانها قرار بگیرد. کمونیسم جنبشی است متعلق به طبقه کارگر علیه استثمار و علیه سلطه یک طبقه یعنی طبقه سرمایه دار بر اکثریت مردم. آنچه که کمونیستها دنبال میکنند در واقع آرزو و خواست قلبی اکثریت مردم است. همه مردم میخواهند که در رفاه زندگی کنند، در امنیت زندگی کنند، منزلت و حرمت داشته باشند، مورد استثمار و ستم و تبعیض قرار نگیرند، کسی بر آنها سلطه و حاکمیت نداشته باشد و به آنها زور نگوید.

کمونیستها در صف مقدم تمام رفع ستم و استثمار و زندگی

کردن در امنیت و رفاه، خواست قلبی همه مردم است. بشر یک موجود اجتماعی است. یعنی آدمها دور هم جمع میشوند که راحت تر و امن تر زندگی کنند. که قدرت و نیرویشان را علیه طبیعت و نیروهای وحشی و خصومت آمیز طبیعت بیشتر کنند. اما از مقطعی از رشد جوامع یعنی از زمانی که قدرت تولیدی انسانها افزایش یافت و تولید مازاد بر نیاز پایه ای شخصی امکان پذیر شد، از درون خود جوامع نیروهایی سر بر آوردند که برای تصاحب این مازاد بیشترین رنج و ستم و درد را به بشر وارد کرده اند و میکنند. تاریخ جنگها را نگاه کنید. تاریخ برده داری تاریخ فئودالیسم و زمین داری تاریخ تاریخ جنگهای مذهبی، تاریخ اشرافیت و شاهان، تاریخ سرمایه داری و پاکسازیهای قومی و ملی. ابعاد فجایعی که یک بخش از جامعه یک اقلیت بر اکثریت مردم وارد کرده اند و میکنند برآستی آنقدر وسیع و گسترده و فجیع است که در مخیله و محاسبات نمیکند. میزان کشتارها، میزان قحطی ها، میزان شکنجه و زندان کردنها، میزان آوارگیها، میزان تحقیر و توهین ها. ابعاد چنین فجایعی شوکه آور و تکان دهنده و غیرقابل وصف است.

توجیه وضع موجود

داستان چیست؟ چرا اینگونه است؟ چرا بشر باید اینهمه درد و رنج و جنایت و فاجعه و بی عدالتی و زورگویی را تحمل کند؟ بعضی ها میگویند طبیعت و طینت بشر همین است و کاری نمیشود کرد. میگویند بشر میتواند فقط به همین گونه زندگی کند. باید کنترل شود و تحت سیطره باشد و اگر نیرویی بالای سرش نباشد هرج و مرج میشود. بی بندوباری میشود. سنگ روی سنگ بنا نمیشود. این طینت بشر است. باید زور بالا سرش باشد. واقعا جالب نیست؟ هرج و مرج بی بندوباری! طینت بشر!! اینها را بهانه میکنند که بیشترین رنج و ظلم و جنایت و تعدی را به اکثریت مردم تحمیل کنند. یک عالمه مردم فریبی و دروغ در تک تک این

جملات و کلمات نهفته است.

یک موقعی وقتی کسی میگفت چرا باید میلیونها انسان به عنوان برده ملک و دارایی ادمهای دیگری باشند و تا سر حد مرگ به کار کشیده شوند عده ای می گفتند دنیا همین است. کاری نمیشود کرد. اما سیستم برده داری و دوره برده داری، علیرغم این حرفها از بین رفت و بردگان آزاد شدند و از حقوقی اساسا برابر بقیه برخوردار شدند. در مورد بی حقوقی زنان و ستم و تبعیض علیه زنان هم همین را میگفتند در مورد اینکه چرا باید شاه و خلیفه و حاکم و مستبدین بالای سر مردم باشد نیز همین را می گفتند که دنیا همین است. و گویا بشر باید زور بشنود. مذهب، ناسیونالیسم، ایدئولوژیهای خرافی، تعصبات و کل تفکرات غیر علمی و ارتجاعی را هم به خدمت میگیرند تا مردم را به همین اوضاع غیر عادلانه و ستمگرانه قانع کنند یا به وضع موجود تسلیم کنند. بگویند کاری نمیشود کرد. حتی شمایی که این وضع را قبول ندارید! راهی جز تسلیم برای شما قابل تصور نیست! عده ای از مردم هم تسلیم میشوند و یا قبول میکنند و میگویند کمونیستها خیالپردازی میکنند.

کمونیسم یک جنبش سیاسی و اجتماعی است که این وضع را قبول ندارد و این نوع استدلالات را هم به هیچ وجه نمی پذیرد. کمونیسم این اوضاع را مطلقا طبیعی و ازلی و ابدی نمیداند. و نشان میدهد که اتفاقا آنچه که غیر قابل دوام است همین نظم و بی منطقی سیستم موجود است. سرمایه داری دچار بحران لاینحل و لاعلاج است و مدام دارد به سمت بن بست کامل پیش میرود. و هرچه بیشتر به بن بست نزدیک میشود جنایات، فجایع و تعدیاتش علیه مردم هم بیشتر میشود.

بن بست؟ بله بن بست. بن بست سود، بن بست

ادامه در صفحه ۱۰

حکومت دینی روشن است که آینده اش و شاید برجاماندنش در دراز مدت وابسته به بهبود وضعیت اقتصادی است. اگر رئیسی نتواند این کار را انجام دهد، به زودی مردم جان به لب رسیده به خیابانها باز خواهند گشت.

*روزنامه «استاندارد» چاپ بلژیک نوشت: نیمی از ایرانی ها ریاست جمهوری رئیسی را رد کرده اند. موتور قدرت حکومت مدتهاست که به روغن سوزی افتاده است. همه این گزارشات بر نقش رئیسی در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷، سرکوب و صدور احکام اعدام اشاره کرده و تاکید کرده اند که مردم حکومت را نمی خواهند. اعتراضات مردم علیه رژیم دوباره باز خواهد گشت.

لازم به توضیح است از نوامبر سال ۲۰۱۹ و بدینال اعتراضات گسترده علیه گرانی بنزین و کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر از مردم، در دوره ای که رئیسی مسئول قوه قضائیه رژیم بود تا همینجا رسانه های غربی را مجبور کرده لحن و نوع برخوردشان به جمهوری را بازبینی کرده و در گزارشاتشان به سرکوب مبارزات مردم اشاره کرده و حتی بعضی از این رسانه ها خواهان تغییر رویکرد اروپا به نوع رابطه اش با رژیم شده اند. سرتکونی هواپیمای مسافربری، اعدام نوید افکاری و ادامه محکومیت رژیم در نزد افکار عمومی جهان به دنبال این جنایات، تصویر ایران را در رسانه ها و مدیای غربی تغییر داد. جامعه ایران، جامعه ای است که اعتراض و مبارزه برای آزادی؛ برای رفاه و رهایی از شر تروریسم اسلامی در آن موج می زند، اکنون دنیا و افکار عمومی بیشتر از هر زمانی متوجه جنایات رژیم در سرکوب مبارزات مردم، از جمله جنایات آیت الله قاتل، رئیسی شده اند. میتوانیم کاری کنیم که روزنامه های جهان تیتربزنند: رئیسی آیت الله قاتل باید دستگیر و محاکمه شود. اینهم چندان دور نیست.

ادامه از صفحه ۹

ناسیونالیسم. برای نمونه نگاه کنید! دنیای امروز دنیای تکنولوژی و اختراعات و ارتباطات همه جانبه و هر روزه مردم از سراسر جهان با همدیگر است. اما سرمایه داری در چارچوب تنگ ملت و ناسیونالیسم و تعصباتی از این قبیل اسیر است. با چنگ و دندان میخواهد مرزهای تنگ ملی و جدایی ها را حفظ کند. خوب، روشن است که این با دنیای ارتباطات و دهکده جهانی نمیخواند و مدام دچار تناقض میشود. برگزیت! ملت من! پروتکنشنیسم! ترامپیسیم، فاشیسم! همه اینها و هزاران نمونه دیگر از تعصبات ملی و ناسیونالیستی و ارتجاعی، تلاش و تقلائی مدافعان سرمایه داری برای جلوگیری از بهم پیوستن بشریت و کنار رفتن مرزهاست. و این مدام سرمایه داری را دچار تناقضات بیشتری میکند. بعلاوه سرمایه از درون دچار تناقضات جدی تری است. تناقض سیستم سود و رقابت و انحصاری شدن سرمایه ها و غیره.

طبقه کارگر علیه سیستم موجود

کمونیسم جنبشی است علیه سرمایه داری، علیه سلطه سرمایه. علیه استثمار کارگران توسط سرمایه داران. کمونیسم نشان میدهد که طبقه کارگر مدام با استثمار شدید سرمایه مواجه است و به فقر بیشتر رانده میشود و در عین حال تولید اجتماعی زمینه های اتحاد کارگران را مدام بیشتر فراهم میکند و کارگران قدرت بیشتری مقابل سرمایه بدست می آورند. بقول مانیفست کمونیست سرمایه گورکنان خود را می پروراند. از دل این تناقضات سرمایه داری کمونیسم سر بر آورده و به همین دلیل پاسخ عینی و تاریخی به این اوضاع است.

طبقه کارگر ناچار است خود را از ستم و استثمار خلاص کند چون مدام بیشتر و بیشتر به گرسنگی و فقر محکوم میشود و برای دفاع

از زندگی باید با این سیستم بجنگد و نهایتا به این سیستم پایان بدهد. طبقه کارگر در عین حال این قدرت و امکان را دارد که خود را خلاص کند. چونکه گلوگاه سرمایه در دستان کارگر است. با یک اعتصاب سراسری کارگران میتوانند کل سرمایه داری و نهادها و دستگاهها و ارتش و بوروکراسی اش را فلج کنند. هیچ طبقه ای در تاریخ چنین موقعیت و قدرت اجتماعی ای نداشته است.

بنابراین کافی است که کارگر آگاه و متشکل شود تا بتواند خود را از استثمار سرمایه داری خلاص کند. و ناچار است خود را از شر سرمایه خلاص کند. چون سرمایه مدام کارگران را بیشتر و بیشتر به ورطه فقر و محرومیت و مشقت میکشاند. این نقطه کلیدی در بحث کمونیسم مارکس است: طبقه کارگر قدرت اصلی به زیر کشیدن سرمایه داری است.

انقلاب، دولت و حزب

چند نکته مهم دیگر هم در کمونیسم کلیدی و لازم به تاکید است:

اولا طبقه کارگر اساسا با انقلاب میتواند از شر سرمایه داری خلاص شود. آن اقلیت حاکم با پلیس و ارتش و قوه قضائیه و زندان و کلا نیروی دولتی و سرکوبش با تلاش و تحرک کارگران و مردم برای خلاصی مقابله میکند. در نتیجه باید این قدرتش را با قیام و انقلاب در هم شکست و عقب راند.

دوما طبقه کارگر برای اینکه خودش را رها کند باید کل جامعه را رها کند. به همین دلیل همانطور که اشاره کردم کمونیستها در تمام اعتراضات و تلاشهای بخشهای مختلف مردم علیه فقر، علیه ستم و تبعیض علیه زنان، علیه اعدام، علیه سنگسار علیه مذهب در دفاع از حقوق کودکان و مردم و همه اینها، کمونیستها به عنوان نمایندگان طبقه کارگر جلوی صف همه این اعتراضات هستند و ستون اصلی این

اعتراضات هستند. انقلابی که کمونیستها دنبال میکنند ماهیتا یک انقلاب کارگری و از نظر نیروی متشکله اش یک انقلاب همگانی و مردمی است یعنی بخش اعظم مردم را در بر میگیرد. طبقه کارگر باید توده مردم محروم را علیه سیستم حاکم به حرکت در آورد و رهبری کند

نکته مهم دیگر این است که طبقه کارگر به رهبری و سازماندهی همه جانبه نیاز دارد که بتواند چنین حرکت عظیمی را سازمان دهد و به پیش برد و به پیروزی برساند. و این رهبری حزب است حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست. حزب مبارزات بخشهای مختلف طبقه کارگر را هماهنگ میکنند، استرژژی و تاکتیکها را روشن میکند و راه نشان میدهد، تئوری و سیاستها را در هر دوره ای روشن میکند، و دوست و دشمن را در هر مقطعی نشان میدهد و الی آخر.

یک نکته مهم دیگر در کمونیسم مساله دولت است. همانطور که گفتیم دولت ابزار سرکوب است. تمام دولتها ابزار سرکوب اکثریت مردم توسط اقلیت حاکم هستند. طبقه کارگر با انقلاب خودش قدرت سیاسی حاکم را در هم میکوبد و خودش قدرت سیاسی را بدست میگیرد. یعنی بجای قدرت حاکم یک حکومت کارگری، دولت سوسیالیستی ایجاد میکند. حکومت کارگری هم یک ابزار سرکوب طبقاتی است. اما این حکومت اقلیت بر اکثریت نیست. بلکه برعکس حکومت اکثریت علیه اقلیت و برای عقب راندن و خنثی کردن تلاشهای آن اقلیت شکست خورده برای بازگرداندن و احیای سیستم استثمار است. به همین دلیل حکومت کارگری موقت و گذراست. به همان درجه ای که خطر بازگشت اوضاع رنگ می بازد و کمتر می شود حکومت کارگری هم ضرورت وجودیش را از دست میدهد و بتدریج کم رنگ تر میشود. بعبارت دیگر وقتی که دوره انقلابی

تمام میشود حکومت کارگری هم ماموریتش تمام میشود.

شورا و اداره شورایی هم یک بحث کلیدی در کمونیسم است. کمونیستها طرفدار شوراها هستند. شورا تنها ابزار و شیوه شناخته شده و تجربه شده دخالتگری مستقیم همه مردم در سرنوشتشان است. ما با این سیستم که چند سالی یک بار یک انتخاباتی بشود و مردم رای بدهند و به خانه هایشان بروند و یک عده ای بنام نمایندگان مردم بر آنها حکومت کنند موافق نیستیم و این را یک ذره آزادی و حکومت مردم نمیدانیم. حکومت کارگری حکومت شورایی است و امکان میدهد که همه مردم مستقیما در تصمیم گیریها دخالت کنند. نمایندگانشان را هر وقت بخواهند عزل و نصب کنند و در مورد مسائل روزمره جامعه مستقیما تصمیم گیری کنند. اداره شورایی یعنی دخالت گری و تصمیم گیری مداوم و مستقیم مردم از طریق شورا هایشان در زندگی و سرنوشت خود.

و بالاخره این را هم اشاره کنیم که جامعه کمونیستی چه جامعه ای است:

جامعه کمونیستی جامعه ای بدون طبقات است. هر کس که در آن جامعه زندگی میکند

به اندازه توانش کار میکند یعنی همانقدر که میتواند، و به اندازه نیازش دریافت میکند. بقول مارکس از هر کس به اندازه توانش به هر کس به اندازه نیازش. این امکان امروز بیش از هر زمان وجود دارد که همه مردم زندگیشان از نظر رفاه، از نظر مسکن، از نظر درمان و آموزش و کلا از نظر امکانات و تسهیلات زندگی انسانی تامین شود، به شرطی که یک اقلیتی مدام چپاول و دزدی نکند و ثروتهای نجومی بهم نزنند و مردم را استثمار نکنند.

ما وقتی عبارت کمونیسم کارگری را بکار میبریم منظورمان کمونیسم مارکس است که اساسش همین است که توضیح دادم. بخاطر اینکه جریانات مختلف بورژوازی و خرده بورژوازی، رفرمیستی و ناسیونالیستی و امثالهم هستند که به دلایل اجتماعی مختلفی خودشان را کمونیست مینامند، ما کلمه کمونیسم کارگری را بکار میبریم تا تمایز خود را با همه اینها تاکید کنیم و روی همین نکات اساسی که گفتیم تاکید محکمی بگذاریم و کمونیسم را به عنوان یک جنبش اساسا متعلق به طبقه کارگر، یک جنبش انسانی برای برپایی جامعه ای انسانی معرفی کنیم، جلو ببریم و به موفقیت برسانیم.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkiki](https://t.me/wpi_hkiki) شماره آپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۲۵

به آتش کشیدن صندوق رای سیار توسط ستمدیدگان بلوچ



دوباره مانند ۴۲ سال پیش، صندوق‌های رای را به آتش بکشند و مقامات مستاصل نیز به توجیه و توضیحات بی سر و ته متوسل شوند. بنابر گزارش کانال «صدای بلوچ» محمد حسنی فرماندار سیب و سوران بلوچستان، خبر به آتش کشیده شدن میبئی بوس شعبه‌ی سیار شماره‌ی ۳۵ این منطقه را تأیید کرده اما با اشاراتی به نقض فنی بنا به دلایل نامعلوم و حریق لایذ

خودبه خودی عهد سرسپردگی را نیز به جا آورده است. مسلم اما این است که فرودستان پاسخ شما در دی و آبان و هر روز و شبانه‌روز داده و خواهند داد. حالا بروید و برای اشباح زبان بیرون بیاندازید و بازی را ادامه دهید. تریبون خیابان! #خشم_فرودستان sarkhatism <https://t.me/GETehad-bazneshastegan>

حالا نوبتِ پاسخِ بلوچ رنج‌کشیده، سوختبر و کپرنشین غارت‌شده است تا پاسخ خشم و کشتار روزمره‌اش را به نمایش وقاحت انتخابات بدهد. طبیعی است آنکه روزانه در آتش سوزانده می‌شود، شعله را به سوی آتش‌افروزان و با تمام ابزارها و نشانگان سلطه و زورش برگرداند. طبیعی است که در بلوچستان سراپا محروم و ستم‌زده، معترضان

اهمیت مبارزه با جنسیت زدگی و فرهنگسازی از طریق سیستم آموزشی



کارزاری که سال گذشته برای مقابله با کلیشه‌های جنسیتی در مدارس اسپانیا آغاز شده، بار دیگر اوج گرفته است. دو معلم اسپانیایی به نام‌های مانوئل اورتگا و بورجا ولاکوئز پس از آن که شاهد آزار یکی از دانش‌آموزان‌شان در وایادولید با الفاظ همجنس‌گراهراسانه به خاطر پوشیدن تی‌شرتی با تصاویر انیمه بودند، کل ماه مه را با دامن سر کلاس حاضر شدند.

معلم اسپانیایی به نام حوزه پینیاس آغاز شد. این معلم ریاضی با انتشار عکسی از خود با دامن در توئیتر نوشت: «۲۰ سال پیش در همین مدرسه‌ای که الان معلمش هستم، به خاطر گرایش جنسی‌ام مورد توهین و آزار قرار می‌گرفتم... خیلی از معلم‌ها هم اهمیتی به این موضوع نمی‌دادند. به همین خاطر من می‌خواهم امروز از میکدل دفاع کنم.»

جامعه برعهده دارد و در ایران بعد سرنگونی جمهوری اسلامی، مبارزه با جنسیت زدگی، هموفوبیا و قلدری در مدارس؛ باید در دستور کار و برنامه کلان آموزشی قرار گیرد.

سیستم آموزشی نقش بزرگی را در فرهنگسازی و آموزش

بیانیه انجمن درباره همبستگی عدالت خواهان ایران در روز ۲۸ خرداد افکاری شد

می‌خواهیم که نتوانستیم در راه آزادی زندانیان و از بین بردن محکومیت‌های غیرعادلانه و شرم‌آور کمک چندانی نکنیم.



فردی که به عنوان رئیس‌جمهور معرفی شده است از عاملین و آمرین کشتار PS752 است. او در شب هجدهم دی ماه از اعضای اصلی شورای عالی امنیت ملی بوده است که دستور به باز گذاشتن آسمان ایران دادند و همچنین، تحقیقات مخفیانه و غیرمنصفانه در زیر مجموعه‌ی او صورت گرفته است که هیچکس از جزئیات آن باخبر نیست. بر ماست که نگذاریم این فرد از لیست تحریم‌های بین‌المللی خارج شود، بلکه به لیست افراد تحت تحریم کشور کانادا و کشورهای دیگر افزوده شود و روزی هم پاسخ‌گوی مسئولیتش در جنایت PS752 و جنایات دیگرش در چهار دهه‌ی گذشته در ایران باشد.

راه عدالت از همبستگی می‌گذرد.

بسیاری از مردم ایران از روز وقوع جنایت پرواز PS752 با خانواده‌ها همدردی کردند. بسیاری از آن‌ها در این راه آسیب دیدند، در محاکم بیداد سرگردان شدند، به زندان افتادند یا از تحصیل دور ماندند. در آخرین همراهی مردم با خانواده‌ها، بسیاری از آنان تصمیم گرفتند به جای آن‌که در کنار کسانی بایستند که دست‌شان به خون فرزندان آن سرزمین آغشته است، قاطعانه در مسیر دادخواهی و عدالت قدم بردارند. از تمام کسانی که بر این مسئولیت اجتماعی پای فشردند متشکریم و از تمام کسانی که در این راه آسیب دیدند عذر

پیشروی جنبش سرنگونی و خواست مجازات رئیسی توسط عفو بین الملل

شنبه (۱۹ ژوئن - ۲۹ خرداد) اگنس کامالار دبیر کل سازمان عفو بین الملل در واکنش به خبر اعلام ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی گفت: ابراهیم رئیسی باید طبق مستندات ما که در سال ۱۳۶۷ عضو هیئت مرگ تهران بوده و چندین هزار مخالف و دگراندیش سیاسی را در زندان‌ها اعدام کرده است، به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه و مجازات شود.

جمهوری اسلامی منفورتر و منزوی‌تر از هر زمان دیگری حالا متأثر از پیشروی جنبش سرنگونی مردم ایران، سران و نمایندگانش در عرصه جهانی علنا و قویا تحت عنوان مجرمان سازمان جوانان کمونیست

#دادخواهی #نه_میبخشیم_#PS752 #فراموش_میکنیم #ps752justice ۲۱ژوئن

اطلاعیه های حزب

رئیس، قاتلی که انتظار تشویق و تقدیر دارد



در رابطه با مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی با صدای رسا اعلام کردند که خواهان سرنگونی این حکومت جنایت و چپاول و ارتجاع هستند. این صدا و این جنبش را باید فعالانه تا خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی تقویت کرد و گسترش داد. حزب کمونیست کارگری قاطعانه برای عدم به رسمیت شناسی و محاکمه رئیس جلد و بایکوت کل حکومت اسلامی در سطح بین المللی تلاش میکند و همه مردم آزاده را به گسترش مبارزه برای سرنگونی حکومت قاتلان و جنایتکاران اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ خرداد ۱۴۰۰، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۱

او از کشتار هزاران زندانی در سال ۶۷ تحت عنوان دفاع از حقوق مردم و انتظار تشویق و تقدیر داشتن نشان میدهد که او همان جنایتکار کثیف سالهای گذشته است و امروز زبان باز کرده است تا به مردم ستمدیده و مادران و پدران داغدیده دهن کجی کند و نشان دهد که از حد بسیار بالایی از وقاحت نیز برخوردار است. انتصاب چنین جنایتکاری به عنوان رئیس جمهور حکومت اسلامی بار دیگر بر این حکم تاکید میکند که کل حکومت کثیف اسلامی باید در سطح جهانی منزوی و بایکوت شود و سرانش به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند.

مردم ایران در روزهای اخیر

ریاست جمهوری اسلامی از سران حکومتش گرفته است.

او یکی از جلدان شناخته شده جمهوری اسلامی است و در نقش دادستان کرج، دادستان همدان، دادستان ویژه روحانیت، عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای امنیت جمهوری اسلامی، و رئیس قوه قضائیه پرونده بسیار قطوری از جنایت و اعدام و کشتار را در کارنامه خود دارد. تنها یک قلم از جنایت او در دوره ریاستش بر قوه قضائیه مصونیت دادن به قاتلان بیش از ۱۵۰۰ نفر از جوانان و زندانی کردن هزاران نفر از آنها است که بسیاری از آنان همچنان در زندان به سر میبرند. دفاع وقیحانه امروز

از حقوق مردم آنها را محاکمه کرده است". وقاحت بی حد و حصر او وقتی به اوج رسید که گفت من "همواره مدافع حقوق مردم بوده ام" و افزود: «اگر یک حقوقدان و قاضی از حقوق مردم دفاع کرده باید مورد تقدیر و تشویق قرار گیرد».

رئیس بخاطر عضویتش در کمیته مرگ و صادر کردن احکام اعدام در دادگاههای سه دقیقه ای برای هزاران نفر از زندانیان سیاسی، که بسیاری از آنها حتی بنا به قوانین ضد انسانی خود حکومت اسلامی دوره محکومیتشان تمام شده بود و منتظر آزادی بودند، انتظار تقدیر و تشویق دارد و بطور واقعی جایزه اش را با پست

همانگونه که انتظار می رفت این هفته ابراهیم رئیسی که مردم بدست از او به عنوان "آیت الله قاتل" یاد می کنند در انتخابات مسخره اخیر جمهوری اسلامی به عنوان رئیس جمهور از صندوق بیرون کشیده شد. او در اولین کنفرانس مطبوعاتی اش در روز ۲۱ ژوئن از نقش خود در کمیته مرگ دفاع کرد و گفت "من مرد قانون و مدافع حقوق بشر هستم و هیچ کس نمی تواند دفاع من از حقوق بشر را زیر سوال ببرد و افتخار می کنم که در ایران دادستان بودم و از حقوق مردم از طریق مسئولیت هایم در قوه قضائیه دفاع کردم... کسانی که گروه های تروریستی را ایجاد کرده اند باید پاسخگو باشند، نه کسی که در دفاع

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد به تجمع سراسری در ۶ تیر

ساعت ده و نیم صبح

یکشنبه ششم تیر ماه

تجمعات در تهران مقابل سازمان تامین اجتماعی

و در شهرستانها مقابل ادارات این سازمان

و بسته شدن پرونده امنیتی او و همه زندانیان سیاسی هستند.

لازم به یاد آوریست که در ساعت ده صبح همین روز بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگان فولاد نیز در تهران در مقابل دفتر مرکزی صندوق فولاد و در سایر شهرها و استانها مقابل دفاتر صندوق های بازنشستگی فولاد تجمع خواهند کرد. اعتراض این کارگران به جدول همسان سازی حقوقها، محرومیت از همان خدمات رفاهی تعیین شده در آیین نامه ای استفاده فولاد و از جمله درمان، و وضع اسفناک زندگیشان است.

خواستهای بازنشستگان مطالبات همه مردم است و از مبارزات آنها باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

تیر ۱۴۰۰، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۱

بدلیلی همسر طلاق دادند و یا همسرشان فوت کرده است و پرداخت ما به التفاوت حقوق فروردین ماه خود تاکید کرده اند. خواستهای اعلام شده و سراسری بازنشستگان اجرای کامل همسان سازی و افزایش حقوق ها به بالای دوازده میلیون، درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و حق تشکل، تجمع و اعتراض، واکسیناسیون سراسری و رایگان برای همه مردم است که بارها این مطالبات را در قطعنامه ها و بیانیه های خود فریاده زده و بر بنرهای اعتراضی شان نقش بسته است.

یک خواست فوری بازنشستگان آزادی اسماعیل گرامی همکار بازداشتی آنهاست که از چهارده فروردین بخاطر اعتراض برای همین مطالبات در زندان است. بازنشستگان خواستار لغو احکام صادر شده برای وی

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در ادامه تجمعات اعتراضی خود برای پیگیری خواستها و مطالباتشان برای ساعت ده و نیم صبح یکشنبه ششم تیر ماه فراخوان به تجمع اعتراضی داده اند. بازنشستگان در فراخوان خود اعلام کرده اند که با توجه به اینکه محدودیت برگزاری تجمع که در دوران انتخابات اعلام شده بود، به پایان رسیده است یکشنبه های اعتراضشان را از سر میگیرند. این تجمعات در تهران مقابل سازمان تامین اجتماعی و در شهرستانها مقابل ادارات این سازمان برگزار خواهد شد.

در این فراخوان بر مطالبات فوری ای چون متناسب سازی حقوقها، بازگشت دادن کار افتادگان و بازماندگان همانند قبل در گروه حداقل بگیران برابر با ماده ۱۱۱، در نظر گرفتن حق عائله مندی برای خانمهای بازنشسته و از کارافتادگان و کسانی که

درگذشت رفیق فرهاد شعبانی را تسلیت میگویم

مطلع شدیم که فرهاد شعبانی عضو کمیته مرکزی و از فعالین قدیمی و سرشناس کومه له و حزب کمونیست ایران پس از سه ماه دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرطان، متأسفانه امروز ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد) چشم از جهان فروبست.

درگذشت رفیق فرهاد شعبانی برای همه ما بسیار تأسف انگیز است. بدینوسیله صمیمانه به خانواده او و رفقای حزب کمونیست ایران و کومه له تسلیت میگویم.

یادش گرامی باد

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ خرداد ۱۴۰۰، ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

درباره اعدام حبیب رضایی در شهر سلماس



پس از اعدام این جوان گوسفند نذر کردند. رعشه بر اندام می افتد وقتی می شنوم که چطور جمهوری اسلامی با قوانین ضد انسانی قصاص اینهمه سنگدلی را موجب شده است. لعنت به این نظام و قوانین اسلامی اش.

یک روز قبل از اعدام حبیب به خانواده و عزیزانش اجازه دادند او را ببینند. دیدار آخر. گفته می شود که حبیب در این دیدارها آرام بوده است نه اینکه از مرگ نترسد. نه! بلکه هنوز امید داشت که در آخرین دقایق بخشیده شود. روز اعدام که فرا می رسد صبح زود عده ای در مقابل زندان تجمع می کنند. هنوز کورسویی از امید وجود دارد. شاید در آخرین لحظات "اولیای دم" دلشان به رحم آید و حبیب را ببخشند. اما نه، این امیدی عبث است. صندلی از زیر پای حبیب کشیده می شود. صدای "یا ابوالفضل" شنیده می شود و حبیب بر بالای دار جان می دهد...

بیرون از دیوارهای زندان صدای شیون بلند است. عزیزان و بستگان حبیب خون گریه می کنند. حبیب رضایی به اعتبار اینکه دروازه بان تیم فوتسال شهر بود در سلماس شناخته شده بود. بسیاری از اعدام وی متأسف شدند. بسیاری اتفاق نظر دارند که حق او اعدام نبود. بسیاری از این همه آدمکشی و کشتن جوانان به ستوه آمده اند. واقعیت این است که اعدام به هر بهانه و دلیلی باشد ضد انسانی است. مورد حبیب رضایی زشتی و کراهت اعدام را هر چه بیشتر به نمایش می گذارد. اعدام جز خشونت و آدمکشی و مصیبت ارمانی برای جامعه ندارد. اعدام جنایت سازمان یافته و قتل عمد دولتی است. اعدام باید ملغی باشد. به یاد حبیب و برای جلوگیری از کشتن انسانهای دیگری نظیر حبیب باید متحد شد تا بساط اعدام را از کشور برچینیم. سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام - حسن صالحی ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱

سحرگاه روز ۳۱ خرداد ۱۴۰۰ حبیب رضایی متولد سال ۱۳۶۷ در شهر سلماس به دار آویخته شد. او فقط ۳۳ سال داشت. او ورزشکار و دروازه بان تیم فوتسال شهر سلماس بود. یک شهر برای او گریستند. چند سال پیش در زندگی اش در عالم مستی خطایی غیر عامدانه مرتکب شده بود که منجر به مرگ کسی شده بود. تازه معلوم هم نشد که آیا خطای کس دیگری را بر عهده گرفته است و یا خود حقیقتاً مرتکب چنین خطایی شده است. هر چه بود از وضعی که به مرگ کسی دیگر منجر شده بود بشدت پشیمان بود و نمی توانست خود را ببخشد. اما نمی خواست که اعدام شود. تا آخرین لحظه امیدوار بود. مادرش، مریم انبوب، در آبانماه سال گذشته در کابوس از دست دادن فرزندش خود را به درآویخت و خودکشی کرد. یک ترازوی بی اندازه غم انگیز که باورش سخت است. مرگ مادر برای او بسیار گران تمام شد. کمرش شکست. غمی بزرگ بر دلش سنگینی می کرد.

برای نجات جان حبیب تلاشهای زیادی از سوی نزدیکان و عزیزانش صورت گرفت. اما متأسفانه این تلاشهای به نتیجه نرسید. نقشه مرگ حبیب از مدتها پیش طرح ریزی شده بود. نماینده پیروز سلماس که از خویشاوندان خانواده مقتول بود زمینه را طوری چیده بود که حبیب حتماً اعدام شود. خانواده مقتول علیرغم خواست مردمان بسیاری حاضر به رضایت نشدند. شوربوختانه فرا رسیدن لحظه مرگ حبیب را جشن گرفتند و



از سوی دیگر کارگران نفت در اعتراضات خود کل ساختارهای برده وار نفت را به چالش کشیده و در بیانیه هایشان بر پایان دادن به قوانین مناطق ویژه اقتصادی، کوتاه شدن دست پیمانکاران و امن شدن محیط های کار و بالا رفتن استانداردهای زیستی و معیشتی در مراکز نفت و حق داشتن تشکل، تجمع و اعتراض تاکید کرده اند.

اعتصاب کارگران نفت تمام توجه ها را بخود جلب کرده است. در این اعتصابات کمپینی برای تخلیه سراسری محل های کار و بازگشت به خانه ها به راه افتاده است. بخش زیادی از کارگران محل های کار را ترک کرده و به خانه ها میروند. اما بخش بزرگ دیگری با ماندن در خوابگاه بر حضور خود در محل و پیگیری مطالباتشان تاکید دارد. روشن است که محور قرار دادن تخلیه کار و رفتن به خانه ها اولین ضررش تضعیف دخالت حداکثری بدنه کارگری و تصمیم گیری جمعی است. بعلاوه این کار زمینه را برای اخراج کارگران روزمزدی که شمارشان بالاست و گزینش نیروهای جدید به جای آنها و ایجاد تفرقه در میان کارگران فراهم تر میکند.

خبرها حاکی است که در برخی از مراکز نفتی که کارگران محل را به قصد منازل خود ترک کرده اند، پیمانکاران کارگران روزمزد

مراکز نفتی از جمله کارگران پروژه های شرکت دی پلیمر شاغل در صنایع پتروشیمی های عسلویه، کارگران پیمانکاری فولاد بوتیا در کرمان، کارگران پیمانی شرکت سازه فرافن قشم و کارگران پروژه های بید بلند ۲ ماهشهر به اعتصاب سراسری برای خواست افزایش دستمزدها و تغییر و افزایش روزهای مرخصی گزارش میدهند. کارگران پیمانی نفت اولتیماتومشان برای آخر مرداد ماه است.

بر اساس همین گزارشات. نبض پتروشیمی ها بدست کارگران فیلر و جوشکار است و کارگران رسمی در این شرکت ها در منطقه عسلویه که سیزده میلیون مزد میگیرند، خواستار هفده میلیون شده اند. و در بیانیه شورای هماهنگی اعتصاب کارگران غیر رسمی بر اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد تاکید شده است. کارگران غیر رسمی ۲۴ روز کار میکنند و شش روز مرخصی دارند و اکنون خواستار بیست روز کار و ده روز مرخصی هستند.

محور بودن خواست افزایش دستمزدها در این اعتراضات و جلو آمدن کارگران نفت با چنین مطالباتی تاثیر مستقیمی بر بالا بردن سطح توقع کارگر از زندگی و معیشتش در سطح جامعه و بویژه در میان خود کارگران نفت دارد.

بنا به گزارشات دریافتی هم اکنون دهها مرکز نفتی و صنایع وابسته به آن در اعتصاب بسر میبرند. از جمله در عسلویه که شامل ۲۴ فاز است، در فازهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ تمامی کارگران رسمی و غیررسمی در اعتصاب کامل هستند و در باقی فازها کارگران پیمانی در اعتصاب بسر میبرند. و با در نظر گرفتن اینکه هر کدام از این فازها خود از ۴ تا ۵ شرکت با حداقل ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر تشکیل میشوند، نشانگر بعد وسیع این اعتصاب سراسری است. بعلاوه اعتصاب شرکتهایی مثل شرکت مبین در عسلویه که تامین کننده آب پتروشیمی است تاثیر مستقیم خود را بر فعالیت پتروشیمی ها که زنجیر وار به هم متصل هستند و تقویت اعتصابات کارگری در این منطقه میگذارد. برای مثال یکی از مراکز حساس اعتصابی در پارس جنوبی پتروشیمی هنگام است. این پتروشیمی در سال یک میلیارد و صد و هفتاد میلیارد تن تولید دارد و بنا بر تخمینی بودجه سه ماه کشور از پتروشیمی هنگام تامین میشود.

بعلاوه خبرها حاکی از اعتصاب کارگران غیر رسمی در پتروشیمی کنگان، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه تهران، شرکتهایی در پالایشگاه اصفهان، قشم و دیگر مراکز نفتی است و اخبار آنرا در اطلاعیه های قبلی انتشار دادیم. خبرهای دریافتی امروز سوم تیر ماه نیز از پیوستن شمار دیگری از

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۴

۵۲ مرکز نفتی در اعتصاب، فاز ۱۴ عسلویه در اعتصاب کامل

را اخراج کرده اند. یک نمونه خیرساز آن اخراج ۷۰۰ کارگر در پالایشگاه نفت تهران است. اعتصاب سراسری است و باید در برابر هر گونه تعرضی به کارگران اخراجی ایستاد. اخراج ۷۰۰ کارگر باید فوراً لغو شود.

فراهم کردن امکان دخالت حداکثری بدنه کارگری از طریق مدیای اجتماعی و تصمیم گیری جمعی، ترک نکردن محیط های کار و ماندن در خوابگاهها و برپایی تجمعات اعتراضی در مراکز چون مقابل وزارت نفت، جلوی سازمان منطقه ویژه اقتصادی عسلویه و غیره گامهایی در جهت مقابله به هرگونه تعرضی به اعتصاب سراسری کارگران نفت و تقویت و گسترش دامنه این اعتراضات است.

لازم به یادآوریست که کارگران رسمی نفت برای روز نهم تیر به تجمع سراسری فراخوان داده اند. خواسته های بسیاری کارگران رسمی و غیر رسمی نفت را به هم پیوند میدهد. لازم است کارگران پیمانی با شرکت در این تجمعات و با بیانیه های حمایتی، همبستگی وسیع خود را با همکاران رسمی شان اعلام کنند. در عین حال خانواده های کارگران نفت یک نیروی مهم تقویت کننده این اعتراضات هستند و باید تا آنجا که ممکن است وسیعاً در تجمعات شرکت نمایند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و فراخوان کارگران رسمی نفت به تجمع در روز نهم تیر قاطعانه حمایت میکند و همه بخش های کارگری، معلمان، بازنشستگان و بویژه مردم ساکن در مناطق نفتی را به حمایت همه جانبه از مبارزات کارگران نفت فرامیخواند.

زنده باد کارگران نفت پیش به سوی اعتصابات سراسری! حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۰، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱

- ۱ - کارگران پیمانی پتروشیمی گچساران
 - ۲ - پالایشگاه بیدبلند بهبهان فاز ۲ پیمانکاری شالوده شایان
 - ۳ - عمران صنعت فاز ۱۴
 - ۴ - پتروشیمی بوشهر، اکسیر صنعت فاز ۱۴،
 - ۵ - شرکتهای نفت و گاز پارس جنوبی، میدان گازی
 - ۶ - شرکت سینا صنعت احمدپور در واحد ASU،
 - ۷ - کارگران شرکت پتروشیمی «صدف»
 - ۸ - شرکت نفت خشت و کنار تخته
 - ۹ - پالایشگاه آدیش جنوبی کنگان مخازن گروهی و استوانه ای پیمانکاری گرمی و شرکت رازان
 - ۱۰ - شرکت پتروشیمی «جهان پارس»
 - ۱۱ - شرکت ساتراپ صنعت پارس جنوبی
 - ۱۲ - کارگران شرکت سینا پالایش قشم
 - ۱۳ - شرکت توانمند فاز ۲۲ و ۲۴
 - ۱۴ - کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران
 - ۱۵ - فرجود در سایت ۱ بوشهر
 - ۱۶ - کارگران پالایشگاه آدیش جنوبی
 - ۱۷ - پارس فنل کار و کلیه نیروهای پتروشیمی پارس فنل شرکت سینا صنعت در عسلویه
 - ۱۸ - سایت پتروشیمی بوشهر پیمانکاری صمصام صنعت
 - ۱۹ - کارگران پالایشگاه تندگویان
 - ۲۰ - کارگران پتروشیمی دنا
 - ۲۱ - کارگران شرکت جهان پارس
 - ۲۲ - کارگران پیمانی شرکت پایندان در فاز ۱۴ عسلویه
 - ۲۳ - کارگران فاز ۱۳ شرکت لیدوما
 - ۲۴ - کارگران فاز ۱۳ (فاز اختر) پارس جنوبی
 - ۲۵ - کارگران جوشکار مخازن گروهی پتروشیمی بوشهر
 - ۲۶ - ماشین سازی اراک
 - ۲۷ - پروژه ای شرکت فراب در نیروگاه بیدخون
 - ۲۸ - تمامی کارگران رسمی و غیر رسمی
- فازهای ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ و کارگران پیمانی باقی
 - فازهای ۲۴ کانه عسلویه
 - ۲۹ - پالایشگاه آبادان تیر ۱۴۰۰
 - ۳۰ - کارگران فاز ۱۳ کنگان
 - ۳۱ - کارگران پالایشگاه بیدخون
 - ۳۲ - کارگران پروژه های شرکت ای جی سی پالایشگاه آبادان
 - ۳۳ - کارگران پیمان کاری حاجی پور
 - ۳۴ - کارگران شرکت مخازن نفت قشم
 - ۳۵ - عملیات دریایی شرکت پایانه های نفتی ایران، خارک
 - ۳۶ - سیمان سپاهان اصفهان زیر مجموعه هلدینگ،
 - ۳۷ - شرکت ای جی سی شاغل، پالایشگاه آبادان فاز ۲
 - ۳۸ - شرکت برق و ابزار دقیق ILD واقع در سایت بندر تنبک
 - ۳۹ - کیهان پارس
 - ۴۰ - شرکت سازه پاد
 - ۴۱ - اعتصاب کارگران رسمی نفت در پالایشگاه آبادان
 - ۴۲ - شرکت تهران جنوب واقع در بندر ماهشهر
 - ۴۳ - شرکت پتروساز شاغل در شرکت نفت بندرعباس
 - ۴۴ - شرکت مبین صنعت شاغل در پتروپالایش آدیش
 - ۴۵ - شرکت رازان شاغل در پالایشگاه آدیش
 - ۴۶ - کارکنان نیروگاه رامین در شهر اهواز
 - ۴۷ - پتروشیمی دماوند
 - ۴۸ - پتروشیمی دنا
 - ۴۹ - شرکت دی پلیمر در صنایع پتروشیمی های عسلویه،
 - ۵۰ - کارگران پیمانکاری فولاد بوتیا در کرمان
 - ۵۱ - کارگران پیمانی شرکت سازه فرافن قشم
 - ۵۲ - کارگران پروژه های بید بلند ۲ ماهشهر

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۵

مضحکه انتخابات: پیروزی بزرگ برای مردم و شکستی مفتضحانه برای جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی همانطور که انتظار می رفت علیرغم بایکوت وسیع و گسترده مردم، رئیسی جلا و آدمکش را بعنوان پیروز نمایش انتخاباتی خود اعلام کرد. از نظر ما آنچه که پیروز شد رای سرنگونی مردم بود. آنچه که پیروز شد نه بزرگ مردم به جمهوری اسلامی بود. آنچه که پیروز شد اتحاد مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بود. جا دارد این پیروزی را به همه مردم ایران تبریک بگوئیم.

مردم در هفته ها و روزهای گذشته به روشنی حرفشان را زدند و نه فقط انتخابات رژیم را به رسمیت نشناختند و آن را بایکوت کردند بلکه شعار سرنگونی و رای ما سرنگونی جمهوری اسلامی است را در همه جا طنین انداز نمودند. دروغهای وقیحانه و بیشرمانه جمهوری اسلامی مبنی بر "شرکت پرشور مردم در انتخابات" نمی تواند شکست مفتضحانه اش را بپوشاند. این روزها پیروزی و موفقیت از آن مردمی بود که خیابانها و شبکه های اجتماعی در اینترنت را به تسخیر خود در آوردند و کیفرخواست و اعتراض شان علیه نظام حاکم را بیان کردند. پیروزی از آن مردمی بود که در داخل کشور با اعلام رای من سرنگونی است صندوقهای انتخاباتی حکومت را بر سرش خراب کردند، و در خارج کشور و در مراکز رای گیری جمهوری اسلامی با برپایی دهها تجمع اعتراضی علیه جمهوری اسلامی، عرصه را بر مزدوران و عوامل رژیم چنان تنگ کردند که آه و ناله شان بلند شد. ما مردم پیروز شدیم و برای برپایی انقلابی که هدف آن سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای آزاد و برابر است آماده تر شدیم.

همانطور که ما بارها اعلام کرده ایم جمهوری اسلامی هیچگاه نماینده مردم ایران نبوده است بلکه قاتل مردم و ویرانگر زندگی و هستی آنها بوده است. در نبود کوچکترین آزادیهای سیاسی و مدنی در ایران نه انتخابات مهندسی شده جمهوری اسلامی قابل قبول است و نه نتیجه آن. خواست ما از مجامع جهانی و دولتها این است که این انتخابات و نتایج آن را همانطور که انتخابات فرمایشی سوریه را به رسمیت نشناختند، به رسمیت نشناسند. جهانیان در هفته ها و روزهای گذشته یک بار دیگر صدای مردم را شنیدند و از عزم مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی با خبر شدند. هر گونه به رسمیت شناختن این انتخابات مسخره که با بایکوت گسترده روبرو شد و همینطور نتیجه آن خاک پاشیدن به چشم مردم ایران است.

جمهوری اسلامی به دلیل جنایات بی شمار علیه مردم و همچنین به عنوان مسبب نابودی زندگی و هستی شمار زیادی از شهروندان باید همچون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح جهانی بایکوت شود. نفس انتصاب یک جلا و شناخته شده بعنوان رئیس جمهور یعنی فردی که عضو کمیته مرگ در سال ۶۷ بوده و مستقیماً در کشتار و شکنجه هزاران زندانی سیاسی نقش داشته است و در دوره ریاست او بر قوه قضائیه صدها مرد، زن و کودک طی اعتراضات سراسری آبان ۹۸ کشته شدند و هزاران نفر دیگر دستگیر و تحت شکنجه های بی رحمانه قرار گرفتند، سند دیگری است که این حکومت باید در سطح بین المللی طرد و منزوی شود. رئیسی و دیگر سران حکومت باید به جرم جنایت علیه بشریت طبق موازین و قوانین بین المللی تحت تعقیب کیفری قرار گیرند و به محاکمه کشیده شوند.

حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر به همه مردمی که در هفته ها و روزهای اخیر با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی متحدانه به میدان آمدند و فضای پرشوری علیه قاتلان اسلامی ایجاد کردند، درود می فرستد. شش جنبش سرنگونی قدم های بزرگی به جلو برداشت و حکومت را با بحرانی عمیق تر روبرو کرد. قدم بعدی سرنگونی حکومت است. متحد شوید تا با انقلاب خود یکی از جنایتکارترین حکومتهای تاریخ بشری را به زیر بکشیم و بر ویرانه های این نظام ضد انسانی جامعه ای انسانی بنا کنیم. پیروزی از آن مردم ایران است.

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۶

اعتصاب در نفت گسترش می یابد - همبستگی های کارگری با اعتصاب نفت

در گروه های تشکیل شده در این گروه ها ابزار مهم این دخالتگری در سطح سراسری است. تنها با حضور حداکثری کارگران است که میتوان اعتراضات را با موفقیت جلو برد و در برابر هرگونه تفرقه افکنی و یا زد و بند پشت پرده ایستاد. برپایی تجمعات اعتراضی در مراکز چون مقابل وزارت نفت و مراکز نفتی در شهرهای مختلف، حضور فعال خانواده های کارگران در این اعتراضات، گامهای مهمی در تقویت این اعتراضات است. حزب ضمن ارج گذاشتن بر حمایت ها و همبستگی های تاکنونی، همه کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر بخشهای مردم را به همبستگی با کارگران نفت فرا میخواند و به سهم خود تلاش میکند که صدای کارگران نفت در سطح جهان باشد.

زنده باد کارگران نفت

پیش به سوی اعتصابات سراسری!

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۴۰۰، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۱

خواست افزایش حقوقها و تغییر نوبت مرخصی شان به بیست روز کار و ده روز مرخصی در راس مطالباتشان قرار دارد. برای خواست افزایش دستمزدها در سطوح مختلف تخصصی ارقامی از سوی کارگران پیشنهاد شده است، در تکمیل آن شورای هماهنگی اعتصاب کارگران در بیانیه خود بر این که دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون تومان باشد تاکید نموده است. بعلاوه در این بیانیه بر خواستهایی چون لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی، کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهای و داشتن امنیت شغلی، بالا بردن ایمنی محیط کار با استانداردهای قابل قبول، بالا بردن استانداردهای زیستی و کاری، پایان دادن به امنیتی کردن محیط کار و داشتن حق تشکل، تجمع و اعتراض تاکید کرده اند. اعلام این خواستها از سوی این کارگران گام مهمی در متعین کردن اعتراضات آنها و اتحاد سراسری کارگران رسمی و غیر رسمی حول آنهاست.

اعتصاب گسترده نفت خون جدیدی به شریان جنبش کارگری و کل جامعه وارد

رامین اهواز، گروه نفت ستاره دماوند، گروه پایپینگ شرکت نقش جهان، نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم، اورهال ۱۵ و ۱۶ و پیمانکاری پتروشیمی فجر به صف اعتصاب پیوسته اند.

در حالیکه جریان "کمپین ۱۴۰۰" بر تخلیه سراسری مراکز نفتی تاکید دارد، بخش بسیاری از کارگران نیز بر ماندن در محل و دخالتگری و پیگیری مستقیم اعتراضاتشان پافشاری میکنند. بدین ترتیب در حالیکه بخشهایی از کارگران اعتصابی خوابگاهها را ترک کرده اند، بسیاری نیز در خوابگاهها باقی مانده و تاکیدشان بر ماندن در محل کار و پیگیری مطالبات است.

بنا بر خبر ها در برخی از مراکز نفتی که کارگران کار را تعطیل و به خانه ها رفته اند، کارفرمایان و پیمانکاران مفتخور قرارداد کارگران روز مزد را باطل و به جای آنها اقدام به استخدام نیروی جدید کرده اند. نکته حائز اهمیت در اعتراضات نفت اتحاد سراسری آنها در پیگیری مطالباتشان است و اولتیماتوم داده اند که اگر تا آخر مرداد ماه پاسخ نگیرند اعتراضاتشان را گسترده تر به جلو خواهند برد و دو

اعتصاب در میان کارگران نفت و مراکز وابسته به آن گسترش می یابد. هزاران کارگر نفت در پالایشگاههای بزرگی همچون تهران، آبادان، اصفهان و نیروگاهها و پتروشیمی ها و بسیاری از شرکت های نفتی در اعتصاب بسر میبرند. فازهای ۲۴ گانه عسلویه تماما در اعتصاب است و در حالیکه کارگران پیمانی از مناطق مختلف نفت به اعتصاب می پیوندند، کارگران رسمی نیز در تدارک تجمع سراسری نهم تیر ماه خود هستند. در فازهای ۱۱ تا ۱۴ عسلویه کارگران رسمی نیز در کنار کارگران پیمانی وارد اعتصاب شده اند.

بنا بر آخرین خبرها کارگران بخش برق و ابزار دقیق بهین پالایش قشم، کارگران پیمانکاری پتروشیمی فجر، کارگران فاز ۲ پالایشگاه آبادان، پتروشیمی هنگام در فاز ۲ طرح های توسعه پتروشیمی در منطقه ویژه اقتصادی عسلویه با یک هزار کارگر، کارگران شاغل در پالایشگاه اصفهان، کارگران شرکت تهران جنوب در ماهشهر، نیرو های شرکت کیسون بندر جاسک، پتروپالایش کنگان، نیروگاه بوستانو در عسلویه، شرکت اندیکا صنعت آسیا، نیروگاه

